

گفت‌وگویی مفصل و صمیمی با حجت الاسلام و المسلمین حاج علی اکبری، ایده‌پرداز «[تربیت حماسی](#)»

مصاحبه‌گر: حجت‌الاسلام و المسلمین مسعود دیانی

اشاره:

یکی از نیازهای عمده در حوزه‌ی علوم انسانی، ضرورت واکاوی و بازشناسی موضوعات این حوزه است که یکی از بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین علوم این حوزه نیز، بی‌شک علوم تربیتی می‌باشد. از سوی دیگر، نگاه اسلامی به مقوله‌ی تربیت و نقد جدی این علم – خصوصاً در فضای اومانیستی کنونی – نیاز مضاعف جامعه‌ی امروز ماست؛ نیازی که می‌تواند از دل فرهنگ ناب الهی برآورده شود. اما «تربیت حماسی» مفهومی است که در جای جای سیره و منش معصومین(ع) قابل رؤیت است. شناخت این نوع تربیت و تزریق آن به لایه‌های مختلف جامعه، قطعاً طراز فکری و معنوی امت را دو چندان می‌کند. جلودار بودن، تأثیر گذاری بر محیط، اقدام جهت رفع نواقص و تقویت قوت‌ها، تنها نمونه‌ای از مؤلفه‌هایی است که جامعه‌ی منتظر را به سمت آرمان‌خواهی و زمینه‌سازی جهت ظهور جامعه‌ی موعود سوق می‌دهد.

آنچه در پی می‌آید، مصاحبه‌ای مفصل با دانشمند گران‌مایه، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا حاج علی اکبری، نماینده‌ی مقام معظم رهبری در اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش آموزان، پیرامون زوایای مختلف «تربیت حماسی» می‌باشد؛ مصاحبه‌ای که حاصل سالها فکر و مطالعه‌ی ایشان است که به طرح مقوله‌ی تربیت حماسی منجر شده است. تربیت حماسی کلیدی است که می‌تواند راه‌کار بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جدی در حوزه‌ی تربیت فردی و اجتماعی باشد. در این مصاحبه، به تعریف، لزوم، ویژگی‌ها، آسیب‌ها و مسائل مختلف دیگر در باب تربیت حماسی پرداخته شده است که تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد.

مرکز پژوهش‌های تبلیغی آینده سازان

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان

خیمه معرفت :

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار داده‌اید، اولین سؤال را این‌گونه طرح می‌کنم: هنگامی که مفهوم جدیدی مانند «تربیت حماسی» در فضای علمی و فرهنگی کشور مطرح می‌شود، قبل از بررسی محتوایی آن، این سؤال مطرح می‌شود که اندیشه‌ها و الگوهای تربیتی موجود چه نقاط ضعف و ناکارمدی‌هایی داشته‌اند که طرح این مفهوم جدید ضروری شده است؟ به نظر می‌رسد که نوعی آسیب‌شناسی رویکردهای تربیتی رایج در کشور نیز در دل این طرح نو خوابیده است؛ اگر حضرت‌عالی هم موافقید، صحبت را از همین‌جا آغاز کنیم .

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بسم الله الرحمن الرحيم. طبعاً همین‌طور که می‌فرمایید، این بحث به لحاظ عنوان و سبک، در زمان خودش یک رویکرد جدید محسوب می‌شد. از همان موقع هم به دوستان گفتم که اگر تبیین این بحث، از طرف ما تبیین مناسبی نباشد، بعداً معلوم نیست که چه چیزی از آن فهمیده شود؛ لذا این کاری که شما انجام می‌دهید، کار بسیار مبارکی است؛ اگرچه دیر هم هست. مبحث تربیت حماسی تقریباً مربوط به سال هشتاد و یک است! آن موقع که مرکز قم را تازه تأسیس کرده بودیم و بنده جلساتی را در قم شکل دادم که در آن به مباحث تربیتی می‌پرداختیم؛ البته به خاطر برخی گرفتاری‌ها، متأسفانه آن‌گونه که باید و شاید به انجام نرسید.

اما در پاسخ به سؤال شما باید گفت که حقیقت این است که گفتمان موجود، پاسخگوی نیازهای زمانه نیست؛ ما باید تربیت‌مان متناسب با زمان باشد. حتی بر اساس توصیه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام، نه امروز، بلکه باید متناسب با نیاز فردا باشد؛ چون نوع کسانی که در حال تربیت شدن هستند، فرزندان فردا هستند و باید اینها را برای فردا تربیت کرد. اوضاع و احوال امروز و جریاناتی که در فضاهای گوناگون فکری و فرهنگی و تربیتی در زندگی انسان امروز هست، ما را به این ضرورت رهنمون می‌شود.

البته من شدیداً معتقد هستم که شیوه‌ها باید از متن اعتقادات، مبانی و اصول ما اتخاذ شود؛ وگرنه راهی به مقصد نخواهیم برد؛ یعنی اگر بین شیوه‌ها، مقصد و مبانی و اصول، هماهنگی و سنخیت وجود نداشته باشد و ما بخواهیم با شیوه‌هایی که دیگران بر اساس مبانی و اصول خودشان ارائه می‌کنند، پیش برویم، هرگز راه به جایی نخواهیم برد؛ به معنای دقیق‌تر، این همان التقاط است که متأسفانه در این سال‌ها بسیار گرفتار آن بوده‌ایم. پس در واقع برای آن تربیت مطلوب و مطبوع، گرفتار شیوه‌های غلطی هستیم که این شیوه‌ها با اهداف و مقاصد و مبانی ما هماهنگ نیست. مضافاً بر اینکه در بین شیوه‌های ناب هم ما همیشه باید متناسب با زمان اجتهاد کنیم و ببینیم نیاز این زمان چیست. مثلاً گاهی رویکرد مطلوب ما رویکرد عاطفی است، گاهی عقلانی و یا رویکردهای دیگر. بر این اساس تشخیص ما این است که در شرایط فعلی ما، آن رویکرد حماسی باید تقویت شود که راجع به آن، در ادامه‌ی بحث توضیحات تکمیلی را خواهم داد.

ولی اصل مسأله این بود؛ یعنی تشخیص ما این بود که تربیت حماسی، یک نیاز جدی و ضرورت مهم امروز ماست؛ ضمن آنکه کاملاً هم با مقصد و مبنا هماهنگ است.

خیمه معرفت :

با اذعان به همه‌ی ضعف‌ها، آسیب‌ها و کاستی‌های الگوهای تربیتی موجود، اما مفهوم دیگری هم با عنوان «تربیت دینی» هست که در این سال‌ها - حداقل از نظر کمی - بسیار مورد توجه بوده است؛ شما هم علی‌القاعده مخالف با تربیت دینی نبوده و بلکه از مدافعان و دغدغه‌مندان چنین مفهومی هستید؛ پس چرا در کنار «تربیت دینی» که نامی شناخته شده و شفاف است، «تربیت حماسی» را مطرح کردید؟ آیا تربیت دینی (به مفهوم رایج آن) هم آسیب‌ها و ضعف‌هایی داشت که شما تربیت حماسی را مطرح کردید؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بحث اصلی ما تربیت اسلامی است. اساساً آن نظام فکری که ما در چهارچوب آن صحبت می‌کنیم، نظام فکری اسلامی، آن هم - به تعبیر زیبای امام راحل عظیم‌الشان - اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. تربیت اسلامی در حقیقت همه ساحت‌های شخصیت انسان را پوشش می‌دهد و مهم‌ترین ویژگی‌اش این است که نسخه‌ی جامعی است برای فلاح، شکوفایی و رشد انسان و ما می‌گوییم مقصد تربیت رشد است؛ پس یعنی این تربیت، همه‌ی ساحت‌های شخصیت را پوشش می‌دهد و به رشد آنها نظر دارد؛ یعنی از بدو تا ختم برایش برنامه دارد و تا بی‌نهایت و ابد، او را لحاظ می‌کند؛ اینکه او از کجا شروع کرده و تا کجا می‌خواهد امتداد پیدا کند. طبق همان تعبیری که علامه طباطبایی اعلی الله مقامه شریف در آن رسائل ثلاث خود دارند که «الإنسان قبل الدنيا و فی الدنيا و بعد الدنيا»؛ یعنی آن ریشه‌ها را در فطرت کاملاً می‌بیند، موقعیتی را که انسان در این دنیا دارد، نسبت او را با دنیا و برداشت‌های او را از دنیا، نقشی را که باید در دنیا داشته باشد و امتداد حضور او را در منازل بعد از دنیا که قرارگاه حقیقی انسان است و اتفاقاً در آنجا هم زمینه‌ی شکفتن و رشد برای انسان هموار است؛ البته مطابق با توشه‌ای که آدمی از زندگی دنیایی برداشته است.

بنابر این، ما از اساس معتقدیم که در مباحث تربیتی باید کاملاً هماهنگ با نگاه خالق هستی حرکت کنیم. در این میان، امتیاز برجسته‌ای که نظریه‌ی اسلامی تربیت دارد این است که کاملاً مبتنی بر سندهای مطمئن می‌باشد. در سایر مکاتب کسی نمی‌تواند ادعا کند که مثلاً این مورد، عین آن چیزی است که خدای متعال خواسته است؛ چون بالاخره آیین‌ها در مسیر زمان گرفتار تحریف‌ها و بدعت‌ها و فرسایش‌ها شده‌اند؛ حتی متنی که محل اجماع پیروان همان آیین باشد هم نداریم. پس این امتیاز تقریباً منحصر در اسلام است که البته به دلیل وجود نعمت عظیم قرآن کریم می‌باشد. نکته‌ی دیگر اینکه ما در تفکر ناب اسلامی، ترجمه‌های امینی هم برای این متن داریم. این ترجمه اعم از ترجمه نظری است که از

طریق اولیاء کامل ارائه شده و یا ارائه‌ی الگوهای عملی است که آن‌هم ترجمان قرآن کریم است. لذا سیره عملی اولیاء هم به همین ترتیب امتیازی است که ما از آن بهره‌مند هستیم و باید قدر آن را بدانیم.

بنابر این تربیت اسلامی در حقیقت نقشه‌ی جامع رشد، فلاح، خوشبختی و سعادت انسان است؛ آن‌هم —همان‌طور که عرض کردم— با نگاه به همه‌ی ساحت‌های شخصیت او که همه با هم مرتبط هستند و مجموعه‌ی جزیره‌های جداگانه نیستند؛ یعنی نمی‌شود شما بگویید که ساحت عقلانی با ساحت قلبی یا ساحت عملی ارتباطی ندارد! اینها مجموعه‌هایی کاملاً مرتبط و مترابط هستند و ما در حقیقت همه‌ی اینها را در یک سپهر می‌بینیم و از آن به تربیت اسلامی تعبیر می‌کنیم. حتی من عنوان «تربیت دینی» را هم کلمه‌ی جامعی نمی‌دانم؛ چون معنا و مفهوم فراخ‌تری را متبادر می‌کند. بلکه باید گفت «تربیت اسلامی» و بعد هم قرائت‌مان را تعریف می‌کنیم که «اسلام ناب» که منظور، همان دستگاه فکری-معرفتی اهل بیت علیهم السلام است.

خیمه معرفت :

پس آیا اجتهاد شما از متون دینی، «تربیت حماسی» است؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری :

می‌خواهم عرض کنم که تربیت حماسی کاملاً برگرفته از آموزه‌های مکتب است؛ یعنی ما چیزی اختراع از خودمان ابداع نکرده‌ایم. ما با وقوف به این مبانی و با فهم مقاصدی که در تربیت اسلامی هست، سعی می‌کنیم پیشنهاد این دستگاه تربیتی را متناسب با شرایط و ظروف و مقتضیات خود استخراج و اجتهاد کنیم؛ در حقیقت، درست مثل سبک اجتهاد فقهی ماست. پس اینجا دو نکته هست: یک؛ ما باید مواظب باشیم که به دام التقاط نیفتیم؛ یعنی حق نداریم یک چیزی که از دین نیست، از خودمان و دیگران را به این جریان ناب الصاق کنیم. نمی‌خواهیم از روش‌های اومانستی، پوزیتیستی، اگزیستانسیالیستی و یا دیگر مکاتب استفاده کنیم و با آن روش‌ها به مقاصد الهی خودمان برسیم. آنهایی که حتی نتوانستند گوشه‌ای از استعداد‌های انسان را ببینند، چطور می‌توانند برای انسان، آن هم در امتداد ابدی‌اش نسخه بدهند. پس اولاً باید مراقبت کنیم که گرفتار التقاط نشویم؛ آن‌طور که متأسفانه الآن در برخی مسائل تربیتی‌مان داریم.

نکته‌ی دوم این است که باید مواظب باشیم گرفتار تحجر نشویم؛ یعنی حق نداریم در بعضی از اجتهاداتی که متناسب با زمان‌های خاصی بوده‌اند جمود داشته باشیم. جمود بر روش‌ها باعث می‌شود که دین، از کارآیی بیفتد. ضمن آنکه بسیاری از شیوه‌هایی که به اسم دین شناخته می‌شود، در تحلیلی کارشناسی و دقیق، معلوم می‌شود که سیره‌ی متشرعه (روش مسلمین) بوده است، نه دستور اسلام.

من معتقدم بحثی که ما تحت عنوان تربیت حماسی مطرح کرده‌ایم، کاملاً منطبق بر سبک‌های شناخته شده‌ی اجتهاد در معارف دینی و برگرفته از خود مکتب است؛ یعنی مکتب تربیتی اسلام، قرآن حکیم و کلمات اهل بیت علیهم السلام و سیره‌ی آنها، برای امروز و با شرایط خاص امروز، به ما یک رویکرد و گفتمان روشن را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند کارآمد و

پاسخگوی نیازهای امروز ما باشد؛ روزگاری که از آن تعبیر به «عصر سرعت» می‌شود؛ عصر انفجار اطلاعات و عصر استحاله هویت‌ها به نام جهانی‌سازی و گلوبالیزیشن؛ عصر رویارویی‌های جدی بین فرهنگ‌ها یا همان تعبیر جنگ تمدن‌ها. سؤال این است که در این زمان، دستگاه فکر اسلامی برای تربیت چه پیشنهادی می‌دهد؟ آیا می‌گوید: مثلاً فقط از سبک تربیت عقلانی استفاده کنید؟ یا برای چنین زمانی، آن وجهه‌ای از سبک تربیتی که باید غالب باشد، وجهه‌ی صرفاً عاطفی و احساسی است. هنگامی که ما این وجوه را کنار هم گذاشتیم و این دستگاه فکری را مورد بررسی و کنکاش قرار دادیم، می‌بینیم که پیشنهاد این مکتب برای زمان ما تربیت به سبکی است که ما از آن به «تربیت حماسی» تعبیر کردیم؛ تربیت حماسی یعنی همان تربیت دینی ناب و معتدل، با برجسته‌سازی عنصر حماسه و فتوت، متناسب با نیازهای زمان -این اصلی‌ترین نکته‌ای بود که من می‌خواستم روی آن تأکید کنم که گمان نشود ما این رویکرد را از بیرون دین آورده‌ایم و دنبال خلق یک شیوه‌ی جدید غیر دینی هستیم.

خیمه معرفت :

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود، این است که نسبت تربیت حماسی با دیگر انواع تربیت رایج در کشور چیست؟ به هر حال در این سه دهه که از انقلاب گذشته، سیستم موجود هم عنوان دینی و اسلامی را یدک می‌کشیده است؛ پس چه مشکل یا آسیبی در سیستم موجود بوده که شما نه پرچم یک رویکرد اصلاحی، بلکه با داعیه‌ی یک تغییر ساختاری در عرصه‌ی تربیتی وارد شده‌اید؟

حجت الاسلام المسلمین حاج علی اکبری:

واقعیت این است که پیروزی انقلاب اسلامی آغاز عصر بازگشت به اسلام است. در کلمات رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیر با بانوان قرآنی هم دقیقاً این نکته نهفته بود. ایشان فرمودند که ما واقعاً فاصله‌ی زیادی با قرآن کریم پیدا کرده بودیم و الآن عصر بازگشت به قرآن است. می‌خواهم بگویم که این بازگشت، تازه شروع شده است؛ آن هم در زمانی پیچیده و دشوار که البته همین دشواری و پیچیدگی - با کمی تأمل و تفکر - خودش کمک کننده است؛ یعنی پیچیدگی‌های زمان، در واقع بستر مناسبی برای پیشبرد اهداف اسلامی فراهم می‌کند و ما به این نکته از اعماق دل باور داریم. بنابر این بازگشت به اسلام، بازگشت به هویت و بازگشت به ارزش‌ها با انقلاب اسلامی آغاز شد؛ منتها فاصله زیاد است. البته خوشبختانه طی سه دهه‌ی گذشته، ما تجربیات خوبی را به دست آوردیم؛ یعنی در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حوادثی اتفاق افتاد که بعضی از آنها، حتی ما را در پیشبرد مقاصد سرمایه‌دار کرد؛ حقیقتاً دفاع مقدس، یک سرمایه‌ی تمام نشدنی را به انقلاب اسلامی و نظام ما داد که با این گنجینه‌ی الهی می‌توان راه را در بین سنگلاخ‌ها و موانع سخت پیش برد.

بنابر این ما باید خودمان را قدم به قدم به سمت الگوهای اسلامی نزدیک کنیم؛ اما از این نکته هم نمی‌شود گذشت که متأسفانه دستگاه اجتهادی فقه ما در این رویارویی عظیم و این راه دشوار، آن گونه که باید و شاید پاسخگو نبوده است. آن کسانی که باید بتوانند متناسب با نیاز زمان، نسخه‌های شفاف‌بخش برای این دردهای مزمن ارائه کنند، عملاً نتوانستند چنین

کنند. معنی نسخه هم که واضح است؛ یعنی برنامه‌ی کاملاً کاربردی که ناظر به مسأله باشد. پس نمی‌شود با حرفهای کلی دردی را درمان کرد. البته آنها هم خوب و لازم است، منتها در جای خود، نه به عنوان نسخه‌ی عمل.

غرض اینکه از این جهت ما ضعف بنیه داشتیم و حوزه‌های علمیه و شخصیت‌های علمی ما برای ورود به این عرصه‌ها ممحّض نبودند. البته به حمدالله الآن فضایی جوانی وارد این عرصه شده‌اند که تلاش آنها بسیار شوق انگیز؛ اگرچه نسبت به نیاز و توقعی که هست، هنوز فاصله بسیار است.

در این بین، ما هم به عنوان یک نهاد غیر دولتی و یک تشکل انقلابی که باید پرچم حرکت‌های ناب تربیتی را در دستگاه تعلیم و تربیت بلند کند و خودش هم از آن الگوها پیروی کند، در این زمینه احساس رسالت کرده‌ایم. ما برای رسیدن به این الگو خیلی فکر و مباحثه کردیم و با خیلی از فضلا گفت و گوهایی داشتیم تا این کار، کار متقنی باشد.

اما در بحث آسیب‌شناسی - که پیشنهاد «تربیت حماسی» ناظر به همین آسیب‌ها بوده است - باید دو نکته را مطرح کنم. یک نکته اینکه دستگاه تعلیم و تربیت رسمی ما (به طور خاص، وزارت آموزش و پرورش) ساختارهایی دارد که در آن از کتاب و محتوای درسی تا معلم و تربیت معلم و فوق برنامه و نظام‌های ارتباطی بین این حوزه‌ها و حتی سخت افزارها وجود دارد. اما نکته‌ی مهم این است که این ساختار، متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی و نظام متحول نشد؛ یعنی اینجا از جمله جاهایی است که در آن، انقلاب - به معنای واقعی کلمه - رخ نداد. این حرف من طلبه نیست که قبول آن برای بعضی‌ها سخت باشد؛ این مطلب، جمع‌بندی روشنی است که رهبری عالی‌قدر و حکیم ما مطرح کرده‌اند. در سالهای اخیر، جزء مطالبات و توقعات جدی ایشان، تحول در آموزش و پرورش است. ایشان فرمودند که با اصلاحات فرمی و شکلی تحول صورت نمی‌گیرد؛ آموزش و پرورش تحول همه جانبه می‌خواهد که البته کار بسیار سنگینی هم هست.

در این نظام آموزش و پرورش و در این دستگاه تعلیم و تربیت، رابطه‌ی معلم و شاگرد مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی نیست. محتواهایی که ما ارائه می‌کنیم، رویکرد عمومی‌شان رویکرد سکولاریستی است. یمن به دوستان همیشه این را می‌گویم که وقتی از همان اول به دانش آموز گفته می‌شود که در کتابهای شما، یک کتاب ریاضی هست، یک کتاب فارسی، کتاب علوم و کتابهای دیگر؛ همان‌طور که همه‌ی اینها از هم جداست، یک کتاب هم دینی داری! این خودش سرآغاز سکولاریته است. از همان‌جا ما این نکته را می‌آموزیم که اصلاً بحث خدا و پیغمبر و دین یک بخش است، در عرض سایر حوزه‌های بشری. در حالی که در دستگاه فکر اسلامی می‌گوییم که باید آن جهان‌بینی توحیدی در همه‌ی ساحت‌ها سایه بیفکند. حال اینکه همان دینی جدا شده از علوم دیگر را چگونه و با چه سبکی ارائه می‌کنیم، بماند! همان تعلیمات را هم در قالب‌های نمره‌ای - که آن هم زیر سؤال است - گذاشتیم. ضمن آنکه مکمل‌ها را هم بردیم در قالب‌های پرورشی و پرورشی‌مان را هم گاهی کاملاً فتیله‌اش را پایین کشیدیم و تعطیل کردیم! اینها واقعیاتی است که کار ما را خیلی دشوار می‌کند.

بنابر این، آسیبی که در آموزش و پرورش هست، آسیبی کلان و ریشه‌ای قلمداد می‌شود که راه برون رفت از آن فقط و فقط تحول است؛ همان که رهبری عالی‌قدر فرمودند: «یک تحول همه جانبه». این هم به معنای این نیست که ما باید بایستیم

که این تحول رخ بدهد! تحول، در مسیر حرکت رخ می‌دهد؛ یعنی همین طور که جلو می‌رویم، باید نقشه‌ی این تحول تهیه شود و مرحله به مرحله و با قدرت و قوت اجرا شود.

البته من به شدت معتقدم که تا وقتی مسؤولیت دستگاه تعلیم و تربیت به دولت‌ها واگذار باشد، ما اساساً به این تحول نخواهیم رسید. یکی از علت‌های این امر، حجم بالای تغییرات در ساختار دولت‌هاست که با این وضع، ما نمی‌توانیم به آن تحولی که رهبری عالی‌قدر انتظار دارند برسیم؛ لذا من جداً معتقدم که باید این ساختار از اساس متحول شود. ما با «وزارت» آموزش و پرورش به جایی نمی‌رسیم و این دستگاه حتماً باید با نگاه متفاوتی دیده شود و آلاً یک وزیر چهار ساله با یک مجلسی که توقعات گوناگونی از او دارند، آن هم با ساختارهای ناکارآمد و فرسوده و بوروکراسی‌های اداری پیچیده که ما در حوزه‌های اجرایی داریم، اگر وزیری خیلی هم خوب عمل کند، در نهایت می‌تواند یک کارپرداز خوب برای آموزش و پرورش باشد؛ نه مدیر تحول. مدیر تحول حتماً باید فراتر از یک حوزه‌ی سیاسی متزلزل قرار بگیرد و این یک بحث کلیدی است. مسأله‌ی بعدی که می‌شود به عنوان یک آسیب مطرح کرد، گرفتاری ما به یک نوع «سانتی مانتالیزم تربیتی» است.

خیمه معرفت :

فکر می‌کنم این سانتی مانتالیزم تربیتی تعبیر دیگری است از آنچه که شما در سال‌های گذشته به «تربیت گلخانه‌ای» یاد کرده‌اید که به نظر می‌رسد برای شناخت و تصور صحیح از تربیت حماسی، باید این نوع تربیت را فهمید. پس بفرمایید منظور از تربیت گلخانه‌ای چیست؟ آیا تربیت گلخانه‌ای ناظر به یک مکتب، سبک و یا ایدئولوژی تربیتی خاص است و یا اینکه شمول بیشتری دارد؟ محصول تربیت گلخانه‌ای چیست؟ آیا آموزش و پرورش ما گلخانه‌ای تربیت می‌کند؟ به تربیت گلخانه‌ای چه ایراداتی وارد است؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

این همان است که اشاره کردم در شیوه‌ها هم دچار مشکل هستیم. من ابتدا می‌گفتم «سوسولیزم تربیتی»؛ بعد که سعی کردیم با یک عنوان زیباتری بیانش کنیم، گفتیم «تربیت گلخانه‌ای»؛ یعنی تربیتی بسیار سطحی.

در مدلی که ما الآن به آن مبتلا هستیم، عنصری که قرار است در فرآیند تربیت متحول شود، خودش نمی‌جوشد، نمی‌بالد و شکفته نمی‌شود؛ بلکه در فرآیند تربیت، حاشیه نشین است! مخصوصاً در مقاطعی که مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز تربیت به حساب می‌آید، می‌بینیم که این عنصر، یک عنصر کاملاً ضعیف و خودباخته تلقی می‌شود. البته این مسأله بیان مفصلی می‌طلبد و دامنه‌اش نیز بسیار فراتر از آموزش و پرورش است؛ منتها کارگاه اصلی آن آموزش و پرورش است. اگرچه در حوزه‌های دیگر مانند صدا و سیما، روابط اجتماعی ما، فرآیندهای شکل‌گیری و روابط اجتماعی نیز وجود دارد.

این نکته از این جهت مهم است که انقلاب آمد تا اتفاقاً همین را تغییر دهد. انقلاب، یک نوع بازگشت به خویشتن و یک نوع خودآگاهی و خودباوری را در کالبد جامعه دمید. بعد هم اتفاقاتی افتاد که این مسأله را عینی‌تر و کامل‌تر کرد؛ جریان

انقلاب اسلامی و بعد هم، دوران طلایی دفاع مقدس. آن آهنگی که برای تربیت در جامعه ما پیش گرفته شد، همین تربیت حماسی بود که محصولش ساخته شدن انسان‌های بزرگ بود، در سنین کم! بعداً عرض خواهم کرد که تربیت حماسی، یکی از ویژگی‌هایش همین سرعت عجیب شکفتن استعدادهاست. این را هم خواهم گفت که ما چون در عصر سرعت زندگی می‌کنیم، واقعاً باید برویم سراغ تربیتی با این خصوصیت.

واقعیت این است که من احساس می‌کنم بعد از دوران دفاع مقدس، بیش از یک دهه، جامعه‌ی ما -خصوصاً در حوزه‌های فرهنگی تربیتی- گرفتار رخوت و رکود شد. آنچه در بخش تربیت اتفاق افتاد، این بود که به مدل‌های پرستارانه دامن زدند که درست نقطه‌ی مقابل تربیت کنش‌گر، پویا و فعال که در آن، سهم اصلی تربیت به خود عنصر تحت تربیت (مرباً) داده می‌شود. در آن دوره، وقتی من نوع رابطه‌ی والدین را با بچه‌ها می‌دیدم به شدت نگران می‌شدم؛ ادبیاتی که رایج شده بود، واقعاً نگران‌کننده بود. همین‌طور بود نوع مواجهه‌ای که در مدرسه‌ها با بچه‌ها و دانش‌آموزان می‌شد. حتی در فضای دبیرستان که فرض و انتظار بر این است که هر کدام از این بچه‌ها باید بتوانند خودشان یک مدرسه را اداره کنند - و من یقین دارم که اگر ما واقعاً به آنها میدان بدهیم، اینها واقعاً می‌توانند محیطی مثل مدرسه را به راحتی اداره کنند - ما اینها را تحت یک سیستم پرستارانه گذاشتیم که دائماً باید به آنها رسیدگی شود؛ به جای تربیت نسل مسؤول، نسلی مطالبه‌گر و پرتوقع درست کردیم. در خانواده هم اگر والدین در برابر خواسته‌های پایان‌ناپذیر بچه‌ها از سبک تربیتی صحیحی برخوردار نباشند، این خواسته‌ها همچنان ادامه می‌یابد و بیشتر هم می‌شود. کار به جایی می‌رسد که آن بچه، حتی وقتی که سن استقلالش رسیده، هنوز وابسته است.

خیمه معرفت :

پس با این حساب، تربیت حماسی در یک وجه آن، مقابله با تربیت گلخانه‌ای است !

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بله؛ دلیلش این است که ما چطور می‌توانیم با یک نسل وابسته، کشوری مستقل داشته باشیم؟! چطور می‌توانیم با یک نسل ترسو و شکننده، یا نسلی که احساس خودکم‌بینی می‌کند، قله‌های بزرگ را فتح کنیم؟! در حقیقت، تربیت حماسی به مضاف گفتمانی که الآن در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به آن مبتلا هستیم، می‌رود.

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

خیمه معرفت :

آنچه از کلام شما درباره‌ی تربیت گلخانه‌ای برداشت شد، یکی بی‌مسئولیتی و مسئولیت ناپذیری است و دیگری رکود و سکون؛ آیا درست است؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بله؛ یکی از چیزهایی که من به خود بچه‌ها هم گاهی می‌گویم، این است که بدانند چه بلایی سرشان می‌آید. درس می‌خواند، اما در خانواده، هیچ احساس مسئولیتی نمی‌کند؛ فقط و فقط درس می‌خواند؛ همین! اینکه گفتم ساختارهایمان معیوب است، یک نمونه‌اش همین است؛ انگار این دختر خانم یا آقا پسر، تا سالهای خیلی زیادی از انجام مسئولیت‌های مختلف زندگی معاف هستند! دوره‌ی سربازی را هم - که یک وقتی برای ساختن مرد تلقی می‌شد - آنقدر حواشی‌اش را زدیم که تا حد زیادی از آن کارایی افتاد. این مسأله، جزء دردها و آسیب‌های مزمن ماست که نسخه درستی می‌طلبد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، هم باید کارکردهای تربیتی خانواده را متحول کنیم، هم کارکردهای تربیت مدرسه را و هم فضاهای رسانه را؛ همه را باید متناسب با این رویکرد تغییر دهیم تا به نتیجه برسیم.

خیمه معرفت :

با کسب اجازه از حضرت‌عالی، می‌خواهم بحث را کمی به این سمت ببرم که ما با چه ضرورت‌هایی در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی مواجهیم که باید تغییر در سیستم تربیتی را در اولویت‌های کاری کشور قرار دهیم؟ آیا ضرورت ویژه‌ای حس می‌شود، که تربیت حماسی پاسخ‌گوی آنست؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

عصر کنونی - به تعبیری - عصر «نبرد هویت‌ها» است؛ یا تعبیر «جنگ تمدن‌ها» و یا «جنگ فرهنگ‌ها» که به نظر من هیچ کدام از این دو دقیق نیست؛ مسأله، مسأله‌ی جنگ هویت‌هاست. در زمانه‌ی ما یک هویت طاغوتی با منطقی طاغوتی سعی می‌کند که هویت سایرین را استحاله و در خودش هضم کند. الان به شکل جالبی مشاهده می‌کنیم که حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت در دنیا هم برای اینکه بتوانند از هویت خودشان در این عرصه‌ی استحاله‌ی هویت‌ها نهبانی کنند، به دنبال الگوهایی از متن جامعه‌ی خود هستند که من در تحقیقات شخصی‌ام نمونه‌هایی از اینها را در بعضی از حوزه‌های تربیتی دیدم. جالب‌تر اینکه الان متفکرین تعلیم و تربیت در بعضی جوامع اروپایی هم در برابر فرآیند آمریکایی کردن - که پشت صحنه‌ی جریان جهانی‌سازی است - کاملاً گارد گرفته‌اند و برای حفاظت از هویت خودشان به دنبال چنین روش‌هایی هستند!

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

خیمه معرفت :

یکی از سؤالات مهم بحث ما، مبانی تربیت حماسی است. البته شما اشاره‌ی کلی داشتید مبنی بر اینکه در یک فرایند اجتهادی، از آموزه‌های اسلامی به تربیت حماسی رسیده‌اید؛ اما شاید بهتر باشد که مفصل‌تر به آن پرداخته شود.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری:

به نکته‌ی بسیار مهمی اشاره کردید؛ چراکه مبانی برای ما مهم است. زیرا ما می‌خواهیم یک شیوه‌ی تربیتی مستند به تربیت اسلامی را مطرح کنیم؛ بنابراین، جا دارد که مبانی‌اش بیشتر مورد تأکید قرار گیرند و مشخص شوند.

همان‌طور که عرض کردم، ما معتقدیم تربیت حماسی پیشنهاد دستگاه تربیت اسلامی برای عصر ماست. با این نگاه، باید این مبانی کمی بیشتر تبیین شوند. من نکاتی را برای نمونه عرض می‌کنم که به نظرم می‌تواند در این تبیین به ما کمک کند. یکی از این محورها، بحث زندگی جهادی و یا به تعبیر دیگر، تربیت جهادی است. «جهاد» از آن کلید واژه‌هایی است که به شکل وسیع در قرآن کریم و سیره‌ی اسلامی و روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده شده است؛ این خودش قابل ملاحظه است. اساساً از نظر قرآن کریم مؤمن، تنها زمانی که به وصف جهاد موصوف می‌شود - یعنی می‌شود «مؤمن مجاهد» - آن وقت است که پسندیده‌ی پروردگار می‌شود. قرآن کریم مؤمنان را به مؤمن قائد و مؤمن مجاهد تقسیم می‌کند و از بین این دو، خدای متعال مؤمن مجاهد را می‌پسندد [۱]. مؤمن قائد هم که پسندیده نیست، در واقع درست در مرز نفاق است. از طرف دیگر، هر چه ایمان ریشه‌ی قوی‌تری پیدا می‌کند، به همان نسبت عنصر جهاد و روحیه‌ی جهادی در مؤمن شکل می‌گیرد.

نکته دیگری که خوب است در اینجا اشاره شود این است که در «جهاد» به معنای عام، مؤمن مجاهد کسی است که با انتخاب آرمان و مقصد بلند و به برکت آن تعلق و عرق قلبی که برای او فراهم شده، برای دینش و آرمانش سرمایه گذاری می‌کند. در واقع، این جهاد به معنای سرمایه گذاری برای ایمان است و البته به ازای آن سرمایه گذاری، خود آن ایمان رونق پیدا می‌کند و همین‌طور درجات و مراتب بالاتری را طی می‌کند. «جهاد» به معنای خاص هم جایگاه ویژه‌ی خودش را دارد که معمولاً به مواجهه‌های رویارو و نظامی و فیزیکی با جبهه‌ی کفر و نفاق و امثال آن مربوط می‌شود. البته این معرکه‌ای است که در آن، ایمان آبدیده می‌شود و صدق پرورش می‌یابد؛ میدانی که مؤمن می‌تواند در آنجا ایمان خود را بسنجد و آزمایش کند.

به هر حال، آنچه از قرآن کریم استفاده می‌شود این است که جهاد معنایی وسیع و فراگیر دارد که عمده‌ی آن هم «تلاش مؤمنانه در مسیر تحقق آرمانهای انقلابی و توحیدی» است. اتفاقاً باید گفت که الگوی تربیت حماسی هم یک الگوی مجاهد پرور به همین معناست.

نکته دیگری که در این دسته از آیات مشاهده می‌شود - که در بحث تربیت جهادی و حماسی قابل ملاحظه است - داشتن مرزبندی با جبهه کفر و شرک و نفاق است؛ یعنی از وقتی که وجود انسانی با نور ایمان روشن می‌شود، اولین چیزی که برای او واضح می‌شود، پیدا کردن مرزها و مرزبندی‌هاست. البته همان‌طور که عرض کردم، در مراتب اولیه ایمان، مرز ایمان با شرک و نفاق خیلی نزدیک است؛ ولی وقتی فرد به وصف «جهاد» آراسته می‌شود، صف‌بندی‌ها کاملاً روشن می‌شود.

نکته‌ی کلیدی در اینجا این است که انسان مؤمن به برکت صدق ایمانش، برای آرمانها و برای آوج ایمانی خودش سرمایه‌گذاری می‌کند؛ یعنی نگاهش به دین، از نگاه کاسب‌کارانه‌ی اولیه خارج می‌شود. بالاخره در قرآن و روایات هم داریم که عده‌ای از مسلمانان، اسلام را برای این پذیرفتند که با اسلام، خون، آبرو و امثال آن را تحت الحفظ قرار دهند. آنها در واقع می‌خواهند از مواهب زندگی دینی بهره‌مند بشوند و بیشتر نگاه‌شان، نگاه انتفاعی و بهره‌بردارانه نسبت به دین است؛ اما مهبای تقویت دین و سرمایه‌گذاری برای آن نیستند. در میان این دو نگاه، البته آن نگاهی که حکایت از ایمان بر افروخته و با طراوت دارد، همان نگاه جهادی است. خدای متعال هم زندگی را به گونه‌ای طراحی کرده است که اگر انسان در ایمانش راسخ نباشد، آشکار شود. روایات جالبی هم در این زمینه داریم؛ سنت الهی است. خداوند می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمْ يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَهٍّ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (توبه، آیه ۱۶)؛ یعنی: آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نشده‌اند؟! (باید آزموده شوید؛ و صفوف از هم جدا گردد)؛ و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است!

آیه بسیار روشنی است؛ یعنی شما خیال کردید ما شما را رها می‌کنیم و با صرف ادعا کار تمام است؟! یک نکته لطیفی هم در این آیه کریمه هست و آن اینکه می‌فرماید: می‌خواهیم ببینیم شما کجا هستید؟ آیا غیر از خدا و پیامبر و مؤمنین، برای خودت آرامشگاه، همراز و یا تعلقاتی دارد؟

آیه دیگر این است که می‌فرماید: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِيْنَ وَ نَبْلُوْا اَخْبَارَكُمْ» (محمد، آیه ۳۱)؛ یعنی: ما همه‌ی شما را قطعاً می‌آزماییم تا معلوم شود که مجاهدان واقعی و صابران چه کسانی هستند! این سنت قطعی الهی است که عیار انسان‌ها باید سنجیده شود؛ البته این سنجش گاهی در معرکه‌ی نظامی است، گاهی در معرکه‌ی اقتصادی، گاهی در معرکه‌ی سیاسی و گاهی هم در معرکه‌ی تربیتی و اجتماعی؛ اما اصل سنجش قطعی است. بنابر این، مؤمن به برکت ایمانش در معرض این آزمایش‌ها قرار می‌گیرد که خود این آزمایش‌ها، عیار ایمان او را تکمیل و تقویت می‌کند. تعبیر بسیار زیبایی در بیان پیامبر عظیم الشان (ص) وجود دارد به این مضمون که: اگر مؤمن به جنگ نرفته باشد و یا در اندیشه جنگیدن نباشد و در چنین وضعیتی بمیرد، «مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ»؛ یعنی ایمان لازمه‌اش همان صف‌آرایی است و این مواجهه دائماً باید در ذهن مؤمن باشد؛ دائم باید به فکر مقاتله و ضربه زدن به اندیشه‌های کفر آلود و منطق کفر و منطق شرک و نفاق و درگیر شدن و مبارزه باشد.

نکته‌ی دیگر این است که همیشه جهاد در قرآن کریم مقدمه‌ای دارد که این مقدمه در انواع و اقسام جهادها نقش دارد؛ آن مقدمه «هجرت» است. چه هجرت در انفس و چه در آفاق. البته هجرت اصلی، از بیت انفسی است، منتها گاهی زمینه‌ی هجرت در بیت آفاقی هم پدید می‌آید. یکی از این جنس مهاجرت‌ها، مهاجرت علمی است؛ اینکه انسان برای افزایش دانش و معرفت دینی خود سفر کند. قرآن به انسانی که ایمانش در جایی در معرض خطر قرار می‌گیرد، صریحاً می‌گوید: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (نساء، آیه ۹۷)؛ یعنی: آیا زمین خداوند گسترده و وسیع نبود که مهاجرت کنید؟! [شما بهانه‌ای ندارید! سرزمین خدا خیلی وسیع است؛ هجرت می‌کردید!]

پس در هجرت آفاقی، بنابر چنین اقتضائاتی انسان ترک وطن کرده و به دیار دیگری سفر می‌کند؛ اما هجرت انفسی منوط به هیچ شرطی نیست. قرآن کریم تأکید می‌فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (نساء، آیه ۱۰۰)؛ یعنی: هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه‌ی خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست.

این از آیات بسیار ناب و جزء مبانی بحث‌های ما در تربیت حماسی است. امام راحل عظیم الشان در تفسیر این آیه‌ی کریمه، «بیت» را «بیت نفس» معنی می‌کنند؛ یعنی در هر مرتبه‌ای که باشد باید از خودش مهاجرت کند. پس این هجرت، هجرتی دائمی است تا لحظه‌ی آخر. البته این جنس از هجرت، بدون جهاد میسر نیست.

عنصر دیگر که از مبانی تربیت حماسی به شمار می‌رود و در کنار جهاد و هجرت قرار دارد، مفهوم «شهادت» است که یکی از بالاترین درجات کمالی متصور برای یک مؤمن می‌باشد. اتفاقاً طبق روایاتی، شهادت آرزوی مؤمن است؛ چون با آن می‌تواند با یک سرعت فوق‌العاده و از یک راه میان‌بر به مقصد و هدف نهایی خود برسد.

به هر حال، از این مضامین بسیار هست و پرداختن به آنها روشن می‌کند که اندیشه‌ی تربیت حماسی، یک اندیشه‌ی خالص دینی است. نکته‌ای که در اینجا لازم است یادآوری شود این است که برخی از صفات، پیش نیاز اصل ایمانند و بعضی دیگر، شرایط و مراتب ایمان. مثلاً در آیه الکرسی که از آیات عجیب قرآن کریم است، مسأله‌ی کفر به طاغوت و داشتن مرزبندی شفاف با جبهه‌ی کفر و شرک و نفاق، پیش نیاز ایمان معرفی شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ» (بقره، آیه ۲۵۶). این کفر به طاغوت، در حقیقت همان چیزی است که ما تنها با یک شیوه‌ی جهادی و حماسی می‌توانیم به آن برسیم.

خوب است که در اینجا من تأکید دیگری داشته باشم که جالب است. تربیت راکد، ساکت، ملاحظه‌گر و منفعت‌گرا که درست در نقطه‌ی مقابل تربیت جهادی و حماسی است، در واقع حرکت در لبه‌ی پرتگاه نفاق است و اگر کمترین غفلتی بشود، فرد به دام نفاق و شرک می‌افتد. پس پروسه‌ی تربیت ناب اسلامی همواره رنگی از جهاد و حماسه را در خودش دارد.

از دیگر کلیدهای توصیف مبانی تربیت حماسی این است که در روایات داریم که خدای متعال، دین مؤمن ضعیف را قبول ندارد و اصلاً از او بدش می‌آید! روایات هم با تسامح اینها را جزء مؤمن آورده‌اند؛ یعنی همان مسلم و کسی که عازم طریق ایمان است. در روایتی دیگر از پیامبر اعظم (ص) سؤال می‌شود که این کدام مؤمن است که دین ندارد و مغضوب خدای

متعال است؟! حضرت می‌فرماید: «مؤمنی که امر به معروف و نهی از منکر ندارد». بنابر این، امر به معروف و نهی از منکر هم دقیقاً یکی از محورهای و نقاط عزیمتی است که در بحث تربیت حماسی مطرح است. مسأله‌ی بسیار قابل ملاحظه همین است که خدای متعال، مؤمن قوی را دوست دارد؛ نه مؤمن ضعیف را. مؤمن قوی هم یعنی مؤمنی که در جریان نشر معروف، حاضر است سرمایه‌گذاری کند، با چالش‌ها مواجه شود و در مواجهه با منکرات، از خودش عکس‌العمل نشان دهد.

کلید دیگری که شما برای تحقیق در مبانی تربیت حماسی لازم می‌توانید به دست بیاورید، مراجعه به احادیث توصیف شیعه است. در احادیث می‌فرمایند: «رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ [۲]»؛ یعنی شیعیان ما شیران روز و نیایشگران شب هستند. یعنی شیعه‌ی مطلوب و مؤمن برگزیده، مؤمنی است که در زندگی، فعال و اثر گذار است؛ منفعل و ضعیف و ساکت و راکد نیست. تعبیر «شیران روز» یعنی مؤمن حتماً باید آن توان و قوت و شجاعت و اعتماد به خویش و اعتماد به خدا را در حد بالایی داشته باشد. این حالت وی در جامعه است؛ اما آنجایی که در پیشگاه خدای متعال است، آن نیایش‌های عاشقانه شکل می‌گیرد.

همان‌طور عرض شد، از این نمونه‌ها زیاد است و روایاتش هم متعدد و بسیار قابل ملاحظه؛ اما برای واکاوی کامل مبانی - چون بحث تربیتی هم هست - باید مراجعه‌ای هم به نامه‌ی سی و یکم نهج البلاغه شود که در واقع، منشور جامع تربیت اسلامی است. در آنجا مشاهده می‌شود که امام علیه السلام در جای‌جای این نامه روح جهادی، حماسی، جوانمردانگی و رفتارهای فتوت‌آمیز را مد نظر قرار می‌دهند و گوشزد می‌کنند. نمونه‌ای از جملات این نامه که در ارتباط با موضوع محل بحث ماست، یکی این است که «خُضِ الْغَمَرَاتِ إِلَى الْحَقِّ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ». از این فراز چه برداشت می‌کنید؟ این فراز، در مقام ارائه‌ی یک سپهر تربیتی پیش روی جوان مسلمانی است که می‌خواهد در زندگی یک مسیر شورانگیزی را پیش روی خود داشته باشد. این فراز می‌گوید: به خاطر حق، خودت را به دریای مصیبت و مشکلات و امواج سهمگین بکوبان! هر جا و در هر وضعیتی که باشد؛ یعنی برای حق، برای تحقق فرمان الهی و اعتلای کلمه حق باید این‌گونه بود.

در جای دیگری از این نامه‌ی ارزشمند، امام علیه السلام در مقام ارائه‌ی یک مدل تربیتی دینی - در مقابل آنچه ما می‌گوییم که باید ابتدا به همه‌ی معروف‌ها آراسته بود، سپس وارد میدان امر به معروف شد - می‌فرماید: «وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ!»؛ یعنی تو اساساً برای اینکه اهل معروف بشوی، باید پرچم معروف را به دست بگیری! باید وارد عمل شوی و دیگران را به معروف فرا بخوانی. این مدل، با آنچه ما می‌گوییم بسیار فرق می‌کند؛ این یک تربیت فعال است، نه یک تربیت منفعل؛ تربیت در صحنه‌ی اجتماع است، نه تربیت در حاشیه. در واقع «وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ» یکی از مصادیق «خُضِ الْغَمَرَاتِ» است. پس این خودش یک شیوه‌ی تربیتی است. البته باید مختصات و لوازم دیگر آن را هم استخراج کرد و جداگانه در موردش صحبت کرد.

کلید واژه‌ی دیگر تربیت حماسی، «صبر» است. صبر چیست و در چه نوع مواجهه‌ای مطرح و یا به آن نیاز می‌شود. وقتی به منابع دینی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که بحث صبر و مقام صابرين و مراتب آنها، در عالی‌ترین درجات قرار دارد. این واژه‌ی عجیب، در فرهنگ اسلامی و در مدل تربیت اسلامی، کاملاً بار حماسی دارد و جهادی دارد؛ یعنی وقتی به خط می‌زنی، باید

صبر کنی؛ وقتی دچار چالش می‌شوی، باید صبر کنی؛ وقتی وارد مواجهه می‌شوی، باید بگویی: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره، آیه ۲۵۰).

در این میان، کلیدواژه‌ی «فتوت» هم بسیار قابل ملاحظه است. در قرآن کریم راجع به یک گروه برگزیده‌ی مجاهد (اصحاب کهف)، این تعبیر به کار می‌رود؛ آن کسانی که در مرحله‌ی اول، برای حفظ ایمان‌شان از شرایط شیرین و دلخواه، به شرایط سخت و طاقت‌فرسا هجرت می‌کنند. از آن شرایط هماهنگ با شهوت‌ها و خواسته‌های نفسانی خارج می‌شوند و خود را آواری کوه‌ها و بیابان‌ها می‌کنند. اینجاست که قرآن کریم درباره‌ی آنان می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى (*) وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا» (کهف، آیه ۱۴-۱۳). به خاطر قیام در حفظ دینشان، ما قلب آنها را محکم کردیم. البته اگر چه این تعبیر در قرآن کریم به شکل خیلی گسترده نیامده، ولی در روایات مورد توجه قرار گرفته و تفصیل هم داده شده است؛ مخصوصاً در بعضی از روایات امیرالمؤمنین علیه السلام اشاراتی در معنای فتوت گفته شده است. ضمن آنکه بعضی از مشایخ و بزرگان هم به تبیین روایات باب فتوت پرداخته‌اند.

به هر حال، فتوت از کلیدواژه‌های فهم مبانی و چشم انداز تربیت حماسی است؛ اگرچه در ترجمه‌ی دقیق فارسی آن، ما همیشه دچار مشکل بوده‌ایم. ترجمه به جوانمردی، ترجمه‌ی دقیقی برای فتوت نیست؛ چون فتوت بر بنیان عفت استوار است و از مروت، بهره‌ی فراوان دارد. ضمن آنکه در مسیر خود، باید از منازری مثل صفا، وفا و شجاعت بگذرد...

مدتی است که به نظرم می‌رسید که باید ادبیات فتوت را دوباره در ذهن و روح جوانهایمان بیندازیم و به آن دامن بزنیم؛ چون این کلمه بار معنایی خوبی در زبان فارسی و فرهنگ ما دارد. این هم بخشی از بحث راجع به مبادی که البته آن را می‌شود ادامه داد و این قصه سر دراز دارد.

خیمه معرفت :

با توجه به فرمایشات جناب عالی، به نظر می‌رسد که تاریخ و فرهنگ شیعه ظرفیت‌های بسیار بالایی در بحث تربیت حماسی دارد که یقیناً مورد توجه شما هم بوده است. از سوی دیگر، در گنجینه‌ی ادب پارسی هم ما حماسه‌سرایی‌هایی نظیر شاهنامه‌ی فردوسی داریم که سرشار از حکمت و حماسه است؛ البته روح حماسی منحصر به شاهنامه‌ی فردوسی نمی‌شود و در سرتاسر ادبیات کهن و حتی معاصر ما هم موج می‌زند. سؤال این است که در طرح و پرداخت «تربیت حماسی»، چقدر به این ظرفیت‌ها پرداخته‌اید؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری : انجمن های اسلامی دانش آموزان

احساس من این است که آنچه ما در فرهنگ و ادب فارسی - مخصوصاً در دوره‌ی اسلامی - داریم، در واقع همان برداشت ناب ایرانی از مفاهیم اسلامی است؛ چون بالاخره اینجا مهد شیعه است و نخبگان و شخصیت‌های برجسته‌اش، ارادتمندان حضرت امیرالمؤمنین(ع) هستند و لذا به این موضوعات پرداخته‌اند. در ادامه‌ی این ادبیات، جنبش‌هایی بود که مثلاً کسی

مرشد یا میدان‌دار می‌شد و جمعی را در مقابل زورگویان تربیت می‌کرد که این کار، در حقیقت برگرفته از «کُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» [۳] می‌باشد. لازم به یادآوری است که این فراز هم یکی از رهنمودهای کلیدی امیرالمؤمنین (ع) در تربیت حماسی است. در هر صورت، ما باید از این گنجینه‌ها بیشترین استفاده را داشته باشیم.

خیمه معرفت :

در اینجا می‌خواهم کمی ناظر به واقعیات سؤال کنم؛ هر کاری برای تحقق و وقوع، زمینه‌هایی لازم دارد که تا آنها فراهم نباشد، تلاش در راستای عملی شدن آن آرمان بی‌نتیجه خواهند ماند. حال سؤال این است که بسترهای تحقق تربیت حماسی در جامعه‌ی ما تا چه میزان فراهم شده است؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

در پاسخ به این سؤال، از اینجا شروع می‌کنم که امام راحل عظیم الشان، مردی بسیار بزرگ و به تعبیر رهبر عزیزمان، استثنای تاریخ بود. هر چه جلوتر می‌رویم، بیشتر مشخص می‌شود که عنصر اصلی شکل دهنده‌ی عظمت شخصیتی این مرد الهی، همان حماسه و فتوت است. یکی از بزرگانی که راجع به حضرت امام اظهار نظر کرده، می‌گوید «کلید راه‌یابی به شخصیت امام، فتوت است». اصولاً امام یک شخصیت حماسی دارد که اتفاقاً از بچگی هم همین طور بوده است. همچنین امام موفق شدند این دستگاه تربیتی را در جامعه‌ی ما مستقر کنند؛ زیرا امروز وقتی راجع به انقلاب اسلامی صحبت می‌کنیم، اگر بخواهیم چند ویژگی برای آن معرفی کنیم، بدون شک یکی از اصلی‌ترین موارد بحث استکبار ستیزی و ظلم ستیزی است. دفاع مقدس هم بر اساس همین منطق چهره‌های سلحشور و جاودانه‌ای را تربیت کرد؛ به گونه‌ای که ما الآن برای پیشبرد این مکتب، چهره‌های شایسته، الگوها و اسطوره‌هایی داریم که با تکیه بر آنها می‌توان تمام کشور را زیر چتر تربیت حماسی قرار داد.

جالب است بدانید که اگر بخواهید مقاصد انقلاب اسلامی را در همه‌ی عرصه‌ها فراهم کنید، جز با این سبک تربیتی، به نتیجه نمی‌رسید.

خیمه معرفت :

نظریه‌های و سبک‌های تربیتی غالباً علاوه بر پرداختن به مبانی و ضرورت‌ها، به بیان ویژگی‌ها و مزیت‌ها نیز می‌پردازند. اگر بخواهید به چند مزیت و ویژگی عمده‌ی تربیت حماسی اشاره داشته باشید، چه مواردی را مورد توجه قرار می‌دهید؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بعد از بیان مبانی این سبک تربیتی، می‌توانیم چند ویژگی را برایش نام ببریم:

۱. تربیت حماسی، تربیت کنش‌گر و فعال است. این خصوصیت، در قبال یک نوع تربیت دیگر است که از آن به تربیت منفعل تعبیر می‌کنیم.
۲. تربیت نسل‌ساز است؛ در مقابل تربیت‌های محدود و محدود کننده که تحت همان عنوان گلخانه‌ای جمع می‌شود.
۳. تربیت حماسی چون از جنس سرمایه‌گذاری بود، در زیر ساخت‌های شخصیتی، کاملاً عمیق و درون‌گرا و یا به عبارتی درون‌ساز است. این هم در مقابل تربیت‌های مصلحت‌جو، منفعت‌گرا، ظاهرگرا و ظاهرساز است که در مقابل چالش‌ها معلوم می‌شود که هیچ بنیانی ندارد.
۴. تربیت حماسی مبتنی بر خود آگاهی است؛ در مقابل تربیت‌هایی که در آنها به سمت از خود بیگانگی و غفلت از خویشتن حرکت می‌شود.
۵. مرحوم شهید بهشتی تعبیر زیبایی دارد که گفتنش خالی از لطف نیست. ایشان می‌گوید: «اصلاً اسلام می‌خواهد که بچه‌ها فضول بار بیایند!» البته این تعبیر شاید کمی سنگین باشد و لذا من از آن تعبیر می‌کنم به «تربیت پویا و نقاد»؛ یعنی در مقابل تربیت تسلیم‌خواه و محدود کننده.
۶. ویژگی دیگر تربیت حماسی این است که در این سبک تربیتی، سهم خود مربا و تربیت شونده بسیار زیاد است و با مشارکت فعال خود عنصر تربیت شونده صورت می‌گیرد؛ بر خلاف شیوه‌های مرسوم و مضمومی که سهم عنصر تربیت شونده بسیار کم و اندک است و بیشتر کار تربیتی، از نوع «تحمیل» است و نه از نوع «شدن». «در تربیت حماسی فضا را طوری آماده می‌کنیم که فرد «بشود» و «بیابد»؛ خودش انتخاب کند و درگیر شود. اما وقتی ما راه پیش روی او را همواره می‌کنیم و یا با خودمان می‌بریم، این تربیت کردن است؛ و شدن و صیورورت در آن نیست.
- این تفاوت در روش‌ها و مبانی است که در سبک تربیتی‌مان، آیا بیشتر روی بصیرت و آگاهی عنصر تربیت شونده کار کنیم یا او را در پس پرده تربیت کنیم؟ در تربیت حماسی، ما دائماً فرد را با روشن‌بینی و آگاهی، قدم به قدم پیش می‌بریم. اصلاً سبک تربیتی اصیل همین است که دائماً فرد را از مواقفی که در آن هست با خبر کنیم تا او خودش را درگیر کند و جلو برود؛ به خلاف شیوه‌های ظاهرگرا و تبلیغی که مع الاسف الآن در خیلی جاها از این روش استفاده می‌شود؛ روشی که مهمترین محصولش نفاق‌پروری است؛ مثل گاهی که شخصی را مثلاً در محیط اداری و رسمی با چهره‌ای کاملاً مثبت، محاسن، دکمه‌ی پیراهن تا بالا بسته، انگشتر عقیق، مبادی آداب و... می‌بینید، اما بعد به مناسبتی، ایشان را با خانواده‌اش در محیطی خارج از فضای رسمی که حقوق و مزایا می‌دهند، می‌بینی که ظاهر همین آدم، اصلاً به همسرش نمی‌خورد!... یا خیلی مطالب دیگری از این دست.
۷. در تربیت حماسی، عنصر توکل خیلی پر رنگ و قوی دیده می‌شود.
۸. در تربیت حماسی، ما به تفکر انتقادی و تفکر خلاق مخاطب خیلی بها می‌دهیم. من یک مثال می‌زنم؛ در دنیای امروز که ما با رسانه‌های متعدد در محیط خانه و یا هرجای مواجه هستیم، سبک‌های تربیتی در مواجهه با این

رسانه‌ها چه رویکردی دارند؟ در مدل‌های متحجر و محدودساز دائماً سعی می‌کنند که کودک، نوجوان و یا جوان با این رسانه‌ها رو به رو نشود؛ با تلویزیون رو به رو نشود؛ فلان فیلم یا سریال را نگاه نکنند (البته من هم به جد معتقدم که برخی از دیدنی‌ها را هرگز نباید ببیند، ولی برای اینکه هیچ وقت نبیند، ما مقدمات دیگری در سبک تربیت حماسی داریم). کسی که تلویزیون را حذف می‌کند یا به یک شکل دیگری بچه را سرگرم می‌کند، در واقع از یک واقعیت فرار می‌کند؛ در حالی که این روزها از این واقعیت‌ها نمی‌شود گریخت. دوم اینکه به نوعی خودش را فریب می‌دهد؛ یعنی اگر فرزندش اینجا ندید، جای دیگری نمی‌بیند؟! سوم اینکه فردا که همه چیز در یک گوشی کوچک تلفن همراه در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد، آیا این روش جواب می‌دهد؟

اینها در حالی است که سبک تربیتی پویا، فعال، کُنش‌گر و مصون‌سازی همچون تربیت حماسی، به شما می‌گوید که بگذارید بچه ببیند، اما با ملاحظات؛ اختصاصی به تلویزیون هم ندارد؛ در محیط بیرونی اجتماع هم همین طور باید باشد. چون آنجا هم تربیت متحجر می‌گوید که اینجا نبریدش، آنجا نبریدش و...؛ البته تجربه هم نشان داده که این روش‌های تربیتی کارآمد نیست! این در حالی است که در تربیت حماسی، شما باید کودک را به تفکر انتقادی مجهز کنید. من به دوستانم هم می‌گویم که از همان اوایل که کودک به دیدن فیلم و سریال و کارتون علاقه‌مند می‌شود، شما همراهش باشید و دائماً نگاه انتقادی را به او منتقل کنید. در تربیت حماسی، مربی همراه با تربیت شونده است. من شخصاً این را تجربه کرده و جواب گرفتم. مثلاً شما که کنار بچه می‌نشینید، در حال دیدن، نقد کرده و نگاه انتقادی او را تقویت می‌کنید. مثلاً در صحنه‌ای که اصول اخلاقی رعایت نمی‌شود، من می‌گویم: این خیلی جلف بود یا بد صحبت کرد. این بچه در سال‌های بعد، دقیقاً همین را به خود من تحویل می‌دهد! یعنی با دیدن یک صحنه‌ی ضد اخلاقی و یک عمل ناهنجار، اینها را یادآوری می‌کند. البته ممکن است از شما سؤال کند که چرا بد است؟ که باید بیشتر توضیح دهید؛ حتی اگر سؤال هم نکنند، در وقت دیگری حتماً باید چرایی حرف‌هایتان را برایش تبیین کنید. این یک مثال روشن و عینی از تربیت حماسی بود که فرد علاقه‌مند می‌شود صحنه‌هایی را که می‌بیند نقد و ارزیابی کند. اما اگر شما آن نگاه انتقادی و ارزیاب را درست نکنید و او را در این شرایط انفجار اطلاعات رها کنید، او قطعاً هضم و جذب می‌شود.

پس غرض اینکه اگر بنا شد ما به سبک حماسی دانش‌آموزانمان را تربیت کنیم، فضاهای کلاس‌مان و ادبیات معلم‌هایمان باید تغییر کند و جنب و جوش و پویایی نوجوان تا حد خیلی زیادی مورد قبول قرار بگیرد. در تربیت حماسی، مربیان باید بسیار توانمندتر از الآن باشند؛ باید سعه‌ی صدر زیادی داشته باشند؛ چون قرار است که با بچه‌ها همراه باشد.

نکته‌ای هم درباره‌ی کلمه «انتقاد» بگویم که در جامعه‌ی ما معنایش دقیق و روشن نیست. انتقاد یعنی قدرت ارزیابی سَره و ناسَره؛ پس آنکه منتقد بار بیاید، گول ظواهر را نمی‌خورد و به آسانی با هرکسی دوست نمی‌شود؛ چون او دارای یک نگاه عمیق است و لایه‌های ظاهری را پشت سر می‌گذارد.

نکته‌ی دیگر در تربیت حماسی این است که ما باید در مراتب مختلف، تربیت شونده‌ها را در شرایط سخت و در معرض انتخاب قرار دهیم. او باید دائماً با چالش رو به رو شود و از این نباید ترسید. ما حتی در همین روش، ورزش‌های خاصی را هم پیشنهاد می‌کنیم؛ چون در تربیت حماسی جسم باید کاملاً با روح همراهی کند و لذا جسم باید خیلی چابک، ورزیده،

سالم و منزّه باشد که اینها به ورزش نیاز دارد. بنده در این شیوه‌ی تربیتی، از کوهنوردی بسیار استفاده می‌کنم و همیشه هم آن را پیشنهاد کرده‌ام. گمان هم نمی‌کنم که در مدل‌های طبیعی تربیت، جایگزینی برای کوهنوردی پیدا شود که هم‌زمان، هم روح را تربیت کند و هم جسم را. بچه‌ها در کوه با موانع رو به رو می‌شوند؛ با خطرهای دست و پنجه نرم می‌کنند و... البته همین شرایط می‌تواند در فضاهای مدرسه‌ای هم اتفاق بیفتد؛ به خلاف آنچه که در مدل‌های تربیتی عافیت‌گراست که مثلاً دانش‌آموز باید حتماً در فواصل نزدیک خوراکی در دسترسش باشد! یعنی ما داریم یک نسل شکم‌پری ناز پرورده و متوقعی را به وجود می‌آوریم؛ در حالی که می‌توان به هنگام و به اندازه، به آنچه که لازم دارد برسد، اما این طور هم نباشد که هر لحظه که چیزی خواست، در دسترسش قرار بگیرد؛ چه در خانه، چه در مدرسه و جاهای دیگر، حتی با فرض پولدار بودن خانواده و مرفه بودن فضای مدرسه‌ای. البته پرداختن به این شیوه‌ها، باید تخصصی و کارشناسی شده باشد، نه ذوقی و سلیقه‌ای.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که ما در شیوه‌های مان یک مراقبت فقهی لازم داریم که باید خوب انجام شود؛ یعنی در حقیقت یک نگاه اجتهادی لازم داریم؛ چون باید از مبانی مراقبت شود. از طرفی هم کمتر موردی بنده دیده‌ام که در شیوه‌ها و تکنیک‌ها، در متون شرعی و دینی ما تعصب و جمود باشد. اینجا، جای اجتهاد پویاست؛ البته برای کسی که دارای آن مبانی و همچنین شایستگی‌ها و صلاحیت‌های لازم برای این کار باشد تا انواع و اقسام شیوه‌ها و شگردها را به میدان عمل بیاورد.

خیمه معرفت :

سؤالی در ذهن بنده است که تربیت حماسی بیشتر به سمت تربیت فردی سوق دارد یا تربیت جمعی؟ زیرا گاهی از تربیت حماسی، تربیت‌های فردی به ذهن خطور می‌کند؛ مثل آنچه در متون تاریخی هست که مثلاً فلان قهرمان حماسی سالها در خلوت و زیر نظر یک استاد خاص کار می‌کرده و از جمع دور بوده است. لطفاً توضیح دهید.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

در تربیت حماسی، تربیت در جمع یک اصل است. بنده مراجعات فراوانی داشتم به سیره، آنجایی که اولیای خدا شیعه را برای خودشان تربیت می‌کنند؛ در آنجا تربیت کاملاً در یک شبکه اتفاق می‌افتد؛ یعنی آنجایی که این فرد دارای موقعیت جمعی خاصی می‌شود، تربیت حقیقی همانجا رخ می‌دهد. الآن از گروه‌های آزادتری مثل مسجد گرفته (به عنوان گروه عبادت‌گران) تا جاهایی که گروه، تشکیلاتی است را می‌توان جزء همین گروه‌های تربیتی دانست که فوق العاده مؤثر است. شاید یکی از بزرگترین توفیقات برای یک فرد، تربیت در شبکه است؛ آن‌هم در شبکه‌های مبتنی بر اختیار که بحث تخصصی خود را می‌طلبد.

خیمه معرفت :

در بخشی از بحث، اشاره به دو رویکرد عمده در سبک‌های تربیتی داشتید و اینکه حتی تربیت دینی ما هم در میان این دو رویکرد قرار داشته و هربار، به یکی از آنها گرایش داشته است؛ رویکرد عقلانی و رویکرد عاطفی. سؤال این است که نسبت تربیت حماسی با این دو رویکرد چیست؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری:

تربیت حماسی جامع این دو است و حتی باعث تضاد اینها با هم نمی‌شود و از آنها به گونه‌ی بسیار خوبی استفاده می‌کند. البته اینها را در مواجهه با چالش‌های گوناگونی که در عرصه‌های زندگی با آن مواجهیم قرار می‌دهد و به این ترتیب، عواطف شخصی که با این مدل تربیت می‌شود، بسیار قوی و پویاست. خردش هم بسیار قوی است؛ چون به آن تفکر هم بسیار میدان می‌دهیم؛ این یعنی همان تقویت همه جانبه.

جان‌مایه‌ی بحث ما در تربیت حماسی از «ولایت» گرفته می‌شود. در بحث ولایت - که سلسله مراتب خودش را دارد - ابتدا ولایت‌الله تبارک و تعالی است که همواره مرکز توجه قلبی باید باشد. از سوی دیگر، هر جا محبت صادقانه باشد، بغض صادقانه هم هست؛ به تعبیر زیباتر، هر جا محبت صادقانه باشد، «غیرت» هم هست که این غیرت از واژه‌های جدی و کلیدهای اساسی در تربیت حماسی است. اصلاً تربیت اسلامی روی ولایت استوار است. شما هر جا مسأله‌ی تولی را مطرح می‌کنید، در کنارش تبری مطرح می‌شود. این همان است که من از آن به عنوان داشتن مرزهای روشن یاد کردم.

امام باقر علیه السلام در جایی می‌فرماید: «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ [۴]»؛ «دین مگر چیزی غیر از محبت است؟! یعنی محبت و ولایت، نقطه‌ی کانونی مقام بندگی و عبودیت و طاعت است. سپس به شما می‌گویند که مگر می‌شود شما با دشمن محبوبت، دوست باشی؟! اصلاً خاصیت محبت این است که مرزبندی می‌کند.

اینها را عرض کردم تا معلوم شود ما در تربیت حماسی، کاملاً در لوای مدل ناب تربیت شیعی و ولایی هستیم؛ اسلام ناب هم بر محوریت مسأله‌ی ولایت است؛ خداوند تبارک و تعالی هم جریان ولایت را با ارائه‌ی آن نمونه‌های اعلای محبین خودش (ائمه‌ی هدی علیهم السلام) در متن زندگی انسان وارد کرده است. به تعبیر دیگر، جریان ولایت کاملاً در دسترس قرار گرفته، زیرا «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور، آیه ۳۶). البته آنجا هم که وارد می‌شوید، بلافاصله مرزبندی، شبکه‌سازی، نظام وکالت، نظام کفالت و نظام نیابت شکل می‌گیرد. در فضای داخلی هم، مسأله‌ی محبت، تحت عناوین اخوت، برادری، معاونت و... شکل می‌گیرد و همه‌ی اینها فضاهایی هستند که برای شکل‌گیری شخصیت نهایی انسان مؤمن در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی اندام‌های روحی انسان مؤمن در این فضاهاست که شکل می‌گیرد و بالنده می‌شود؛ با تنفس در فضای اخوت و آن شبکه ولایی و ایمانی است که این مسأله رخ می‌دهد. این هم یک کلید مهم در بحث تربیت حماسی بود که چون فرصت تفصیل و تبیین نداریم، به همین مقدار بسنده می‌کنم.

خیمه معرفت :

اگر بخواهیم نگاهی به آینده داشته باشیم - خصوصاً در حیطه‌ی روابط انسانی که یکی از مهمترین حوزه‌های تربیتی است - روابط انسانی در سایه‌ی تربیت حماسی دچار چه تغییر و تحولاتی می‌شوند؟ اصلاً آیا تفاوت عمده‌ای پیش خواهد آمد؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

تربیت حماسی به معنای وسیع کلمه‌اش، بر تمام روابط ما سایه می‌اندازد؛ ارتباط شما با خدای متعال را - که گفتیم صدرنشین حوزه‌های ارتباطی است - من با طیب خاطر و با اطمینان عرض می‌کنم که یک رابطه‌ی پویا و جذاب مبتنی بر اصل محبت می‌کند. جان‌مایه‌ی تربیت حماسی، از ارتباط محبانه و عاشقانه‌ی فرد با خدای متعال می‌گیرد؛ یعنی بقیه‌ی ساخت‌ها از اینجا تغذیه و تعریف می‌شود. در تربیت حماسی، در رابطه‌ی انسان با خدای متعال، مسأله‌ی محبت یک کلید مهم است؛ حتی بنده در جایی گفتم که در این حالت، خوف هم خوف محبانه است؛ یعنی خوف عاشقی و ترس افتادن از چشم محبوب است! رابطه‌ی شما با خودت را در جبهه‌بندی با نفس اماره و بحث جهاد اکبر می‌برد و یک مبارزه‌ی حسابی در آنجا راه می‌اندازد؛ محاسبه، مراقبه و مؤاخذه.

خیمه معرفت :

پرسش مهم دیگری که مطرح است، بحث جهان‌شمولی تربیت حماسی می‌باشد و اینکه آیا اساساً تربیت حماسی خارج از جوامع دینی هم می‌تواند به عنوان یک الگوی تربیتی کار آمد مطرح باشد؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

اتفاقاً جهان‌شمولی و فراگیری، از مزایای تربیت حماسی است. در تربیت حماسی، رهنمودهای جدی برای جهان و برای حوزه‌ها و نحلّه‌های مختلف وجود دارد؛ علاوه بر اینکه امکان حضور مؤثر در همه‌ی فضاها را هم فراهم می‌کند. البته حفاظت شده و اثربخش؛ چون برای ما خیلی مهم است که اولاً؛ ایمان ما حفظ شود و ثانیاً بتوانیم از نور ایمان‌مان، به دیگران هم روشنی ببخشیم. از همین رو، مهم‌ترین ویژگی تربیت حماسی ایجاد تقوا، وقایه و صیانت است. پس این «تقوا» هم یکی از کلیدهای تربیت حماسی است. البته برداشت «پرهیز» از تقوا، برداشتی انحرافی است؛ درحالی‌که درست‌تر از آن، تقوای ستیز و مبارزه و حضور و... است.

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان

خیمه معرفت :

به نظر می‌رسد که یکی از ویژگی‌های مهم تربیت حماسی، جذابیت آن است. راز این جذابیت را در کجا جستجو باید کرد؟ اساساً علت این جذبه و کشش چیست؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

راز جذابیت تربیت حماسی، هماهنگی کامل آن با فطرت است. جوان نیز قریب العهد به فطرت است و از همین رو، مادامی که فطرت جوان زیاد دست نخورده باشد و از شکل طبیعی‌اش منحرف نشده باشد، این مدل تربیتی خیلی جذابیت دارد. سرشت جوان، این‌گونه است که از رفتارهای فتوت‌آمیز و حماسی لذت می‌برد. بحث همه‌ی انسان‌ها هم هست و به یک مکتب و مرام خاص مربوط نمی‌شود. شجاعت، خطر کردن، خطر پذیری و امثال آن هم از مواردی است که فطرت جوانی می‌پسندد.

خیمه معرفت :

با اجازه‌ی حضرت‌عالی، می‌خواهم بحث را کمی به سمت آسیب‌شناسی تربیت حماسی سوق بدهم. به هر حال در تربیت حماسی هم امکان سوء فهم‌ها، سوء تعبیرها و سوء تدبیرها هست؛ یعنی آسیب‌هایی چه در مقام نظر و چه در مقام اجرا هست. فکر می‌کنید که این آسیب‌ها چگونه ممکن است اتفاق بیفتند و راه مقابله و یا پرهیز از آنها چیست؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

در پرداختن به آسیب‌ها و آفت‌هایی که ممکن است تربیت حماسی به آن مبتلا شود، باید این آسیب‌ها را به آسیب‌های بیرونی و آسیب‌های درونی تقسیم کرد. آسیب‌های بیرونی عمدتاً بحث سوء برداشت‌هاست که مقداری از آن به خاطر استفاده‌ی بعضی واژه‌های متشابه است؛ واژگانی که شاید آفق بحث را به سمت عملیات استشهادی و رفتارهای جنگجویانه می‌برد! در این مرحله، مهم‌ترین کاری که باید انجام دهیم، کار تبیینی قوی است که جایش هم خالی است. همین زحمتی که الآن شما می‌کشید، در همین راستا قرار دارد. به نظر من اگر تبیین درستی از طرف کسانی که این نظریه را مطرح کرده‌اند انجام شود و یک حلقه‌ی معتقد هم از اهل فن وارد میدان شوند و قلم به دست بگیرند، تبیین‌های روشنی از مسأله می‌شود که تا حد زیادی این نوع آسیب‌ها را از بین می‌برد.

بارها در بعضی از استان‌ها از من می‌پرسند که منظور از تربیت حماسی چیست و چه باید بکنیم؟ من هم بدون درنگ به آنها گفتم که برای تحقق تربیت حماسی، باید سهم مشارکت دانش‌آموزان را در امور مختلف مربوط به تعلیم و تربیت افزایش بدهید؛ در حالی که گویا توقع داشتند من چیزی در فضای عملیات استشهادی بگویم! بعد به آنها گفتم که در مجموعه‌ی اتحادیه، ما اصلی را اعلام کردیم که هر کاری را که دانش آموز می‌تواند انجام دهد، حرام است که دیگران انجام دهند! این مسأله به نظر من باید در کل جریان تعلیم و تربیت ما اتفاق بیفتد. واقعاً باید مدرسه را - به ویژه در مقطع دبیرستان -

بچه‌ها اداره کنند؛ آن‌هم نه با حرکت‌های نمادین. تربیت حماسی به ما می‌گوید که باید اعتماد به نفس، روحیه‌ی عزت، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت مواجهه با بحران و مدیریت بحران را در بچه‌ها تقویت کنیم. القای این مسائل نیاز به میدان دارد و میدانی که بچه‌ها می‌توانند اینها را آموزش ببینند، غیر از منزل و مدرسه کجاست؟! البته علاوه بر اینها، در محیط‌های اجتماعی هم باید فرصت‌هایی را به وجود بیاوریم. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که بر این اساس، صدا و سیما، آموزش عالی، آموزش و پرورش و شهرداری چه باید بکنند و فضاهای عمومی چگونه باید طراحی شود؟

پس این بحث نیاز به تبیین دارد؛ هر موضوع تازه‌ی دیگری هم همین طور است و تا خوب تبیین نشود، امکان سوء تعبیر و سوء برداشت از آن وجود دارد. البته دقت داشته باشید که گاهی سوء تعبیر نیست، بلکه تحمیل تعبیر است؛ برچسب زنی است. به هر حال، محیط اقدام تبیینی این بحث، حوزه‌ی متخصصین تعلیم و تربیت و استفاده از شخصیت‌های صاحب نام در این زمینه است که باید با آنها مصاحبه و دیدگاه‌شان گرفته شود. به این صورت، این بحث به ایده‌ای تبدیل می‌شود که هم طرفداران پر و پا قرص و محکمی دارد، هم کسانی را دارد که می‌توانند آن را خوب تبیین کرده و از آن دفاع کنند. البته به نظر من این بحث، کمی هم باید متناسب با فضای جهانی تبیین شود؛ چون الآن دوره‌ای است که شما هر محوری را که انتخاب می‌کنید، حتماً باید تبعاتش را در حوزه‌های بین‌المللی هم ببینید؛ یعنی نمی‌شود به یک مسأله صرفاً نگاه داخلی داشت. البته در فضای جهانی، با توجه به اتهام‌هایی که نسبت به جمهوری اسلامی و رویکرد انقلاب هست، کار ظریف‌تر و جدی‌تری مطلوب است. واژه‌ها و تعابیر باید به گونه‌ای باشد تفاوت رویکرد ما با رویکردهای بنیادگرایانه‌ی منجمدی که متأسفانه در حواشی امت اسلامی شکل گرفته (مانند طالبان و القاعده و ...) روشن شود.

خیمه معرفت :

دقیقاً بزرگترین حساسیتی که شاید در فهم تربیت حماسی به چشم می‌خورد، برداشت خشونت از این عنوان است و اینکه آیا تربیت حماسی قرار است به خشونت‌ها دامن بزند؟! یا اصلاً حرف و نگاه دیگری است که اتفاقاً بسیاری از معضلات و چالش‌ها را هم حل خواهد کرد؟ البته در طول این گفت‌وگو مسائل مختلفی تبیین شد، اما فکر می‌کنم تأکید بر آن مفید باشد.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

من اصرار دارم که در تفسیر کلمه‌ی «حماسه» عمدتاً پویایی و فعالیت را داشته باشیم؛ البته این باید تبیین شود؛ منتها ما برای اینکه بخواهیم بن‌مایه‌های اصلی مسأله را بر اساس فرهنگ ناب خود داشته باشیم، باید از واژه‌های خودمان استفاده کنیم که به نظر من، کلمه‌ی «حماسه»، نزدیک‌ترین واژه به مقصود است، تا کلماتی مثل «جهاد». ممکن بود ما نام این سبک تربیتی را «تربیت جهادی» بگذاریم؛ اگرچه کلمه‌ی جهاد هم در فرهنگ ما کاملاً بار معنایی دارد و بلکه مبنایی هم هست، منتها برای اینکه بتوانیم متناسب با شرایط زمان و ضمناً با استفاده از ریشه‌های فرهنگ ایرانی واژه‌ای را انتخاب کنیم، به «حماسه» رسیدیم؛ البته نیاز به یک تبیین خوب و روشن هست. به نظر بنده از آنجا که ریشه‌ی تربیت حماسی به

یک امر کاملاً لطیف برمی‌گردد (بیرون آمدن از خود، از خود گذشتگی و ایثار با نیت خدمت به خلق و با نیت پیشبرد مقاصد انسانی و الهی) اگر در جایی مواجهه‌هایی با آن وجود دارد، مواجهه با آفت‌هاست نه با اصل موضوع.

اسوه‌ها و الگوهای درجه‌ی یک در تربیت حماسی، الگوهای عاشورایی است؛ الگوهایی که وقتی مورد دقت واقع می‌شوند، مملو از طراوت، زیبایی، جاذبه و محبت دیده می‌شوند. اصلاً آنچه که الآن به عنوان خشونت مطرح است، به فرهنگ ناب شیعی و اهل بیت علیهم السلام نمی‌چسبد. این الگوها کار ما را خیلی آسان‌تر می‌کنند؛ ما وقتی می‌خواهیم یک شخصیت حماسی درجه‌ی یک خودمان را معرفی کنیم، امیرالمؤمنین(ع) را معرفی می‌کنیم. کسی که در عین شجاعت مثال زدنی که در صحنه‌های جنگ و مبارزه، یک روح بسیار لطیف و محبت بسیار گسترده دارد. به هر حال به نظر من کار ما در تبیین این بحث سنگین است.

اما آسیب‌های درونی چند مورد است؛ نکته‌ی اول به تحلیل بنیان‌ها و مبانی برمی‌گردد. تربیت حماسی باید بتواند محتوای خودش را کاملاً متقن و دقیق و بر اساس محک‌های کتاب و سنت ارائه کند تا گرفتار برداشت‌های غلط نشود. ما باید بتوانیم این مبانی را با یک نگاه اجتهادی دقیق و عمیق استخراج کنیم و طبیعی است که این کار نیاز به مطالعات فراوانی دارد. اگر این کار انجام نشود، این رویکرد ممکن است از درون دچار اشکالات اساسی شود.

نکته‌ی دوم غفلت از پرورش عقلانی و عاطفی و باطنی است. اینکه در بحث تربیت حماسی می‌گوییم تربیتی برون‌گرا، اهل میدان و پویا است، نباید ما را از جنبه‌های دیگر شخصیت انسان که از جایگاه ویژه‌ای هم برخوردار است غافل کند. البته همان‌طور که پیش از این عرض کردم، ما اساساً معتقدیم آنچه می‌تواند مقدمات رشد عقلی و عاطفی را فراهم کند، همین رویکرد حماسی است. پس مسأله‌ی تربیت عقلانی که مورد تأکید دین هم هست بسیار مهم است. تعبیر بسیار زیبایی از حضرت امیر علیه السلام داریم که می‌فرماید: «الْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ [۵]»؛ یعنی: عقل برای بشر دین داخلی است، چنان‌که دین برای او عقل خارجی است.»

در بحث تربیت عقلانی برداشت‌های غلطی از گذشته بوده و هنوز هم هست؛ مثل اینکه اگر کسی خردش بارور شود، دیگر اهل رفتارهای حماسی نیست! بله؛ اگر مقصود، عقل ابزاری و عقل معاش باشد، ما هم موافقیم؛ ولی اگر مقصود عقل قدسی باشد، آن را که گفتیم شرع داخلی و پشتوانه‌ی این حرکت است. بنابر این، اگر یک حماسه‌ی جاودانه، ماندگار و بی‌بدیل در کربلا شکل می‌گیرد، خردمندترین شخص روی زمین آن را خلق می‌کند و کسانی که پیرامون او هستند نیز همگی جزء خردمندانند.

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

خیمه معرفت :

آیا می توان گفت که حماسه، نقطه‌ی اتحاد عقل و عشق است؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

بله؛ این تعبیر زیبایی است. همین‌طور است زیرا هر چه بنیادهای معرفتی و فهم حقایق عالم قوی‌تر شود، قدرت تفکر و تحلیل در میدان هم درست‌تر و قوی‌تر عمل می‌کند؛ بالعکس، وقتی هم که عمل خوبی انجام شود، آن بنیان‌های عقلانی هم تقویت می‌شود.

نکته‌ی دیگری که البته فکر می‌کنم با همین توضیحی که عرض کردم، دیگر نیاز به توضیح زیاد ندارد، جنبه‌ی عاطفی است. تربیت حماسی، کاملاً مبتنی بر عواطف است و این جهت هم دائماً باید تقویت شود. در معارف ما هم تربیت عاطفی و قلبی، یک بنیان بسیار مرصوص و محکم و استواری دارد و اصلاً شخصیت رحمانی و رحیمی را خدای متعال معرفی می‌کند و می‌پسندد؛ یک دل مهربان و دریایی، مملو از مهر نسبت به خدا، نسبت به خلق خدا، نسبت به نمادهای هستی، نسبت به طبیعت و نسبت به همه چیز؛ این بُعد نباید مورد غفلت قرار بگیرد.

دیگر آسیبی که باید مراقبش باشیم این است که به دام ظاهرگرایی نیفتیم. ظاهرگرایی در اقدامات پویای برون‌گرا، آفتی جدی و بزرگ است. اگر مراقبت نکنیم، ظاهرگرایی می‌تواند تربیت حماسی را از محتوا خالی کند و یک کار ظاهری و ظاهرسازانه تحویل ما بدهد. در این زمینه کاملاً باید مراقبت شود. البته به نظر من تربیت عاطفی و تربیت عقلانی به همراه هم، در رویکرد حماسی می‌تواند این مشکل را تا حد زیادی حل کند.

خیمه معرفت: یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌ها این است که داعیه‌دار تربیت حماسی کیست؟ آیا یک فرد یا جریان یا تشکیلات است؟ البته متأسفانه باید بگویم که فعلاً این بحث، یک امر درون تشکیلاتی در اتحادیه شده و ظاهراً این واقعیت هست که تربیت حماسی با این همه ظرفیت، هنوز به بیرون از این تشکیلات سرایت نداشته است. به تعبیر دیگر، دغدغه این است که تربیت حماسی هم سرنوشت خاک‌خوردگی طرح‌های بسیار مهمی که الان هیچ اثری از آنها نیست را پیدا نکند.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری: نکته‌ی بسیار خوب و دقیقی است. شاید یکی از جاهایی که حتماً باید آسیب شناسی کنیم، مسأله‌ی داعیه‌داری و پیش‌برد این بحث است که به فراموشی سپرده نشده و یا احیاناً چراغش کم فروغ نشود. مسأله این است که ما باید از ظرفیت یک مجموعه‌ی انقلابی در فضای تعلیم و تربیت کشور به نام اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان به عنوان نقطه‌ی عزیمت طرحی عالمانه، بیشترین استفاده را بکنیم. البته طبیعی است که تربیت حماسی اساساً نمی‌تواند منحصر به این حوزه‌ها باشد؛ یعنی ما هم که این مسأله را مطرح کردیم، با یک نگاه ملی و با فرض اینکه این رویکرد بناست جریان تعلیم و تربیت کشور را باز آرای و سازماندهی مجدد کند، وارد شده‌ایم. به هیچ وجه نگاه این نبود که ما این سبک را فقط در اتحادیه اجرا کنیم؛ اگرچه اتحادیه می‌تواند به عنوان یک نمونه و پایگاه دینی و انقلابی مروج این تفکر در نظر گرفته شود. بنابر این، به نظر من مناسب‌ترین کار این است که در درجه‌ی اول، ما به عنوان کسانی که این

مسأله را مطرح کرده‌ایم باید به شکل جدی آن را دنبال کنیم که مراحل تبیینی مسأله به خوبی انجام شود. بعد از همین ظرفیت اتحادیه برای نمونه‌پردازی و الگوسازی استفاده کنیم. هم زمان هم ما باید از بین شخصیت‌های فرهیخته‌ی عرصه‌ی تعلیم و تربیت - چه حوزوی و چه دانشگاهی - طرفداران این طرح را پیدا کنیم تا آن حلقه‌ی وفادار شکل بگیرد؛ کسانی که هم موضوع را خوب بفهمند و هم آن را باور داشته باشند.

ما در ابتدا این کار را شروع کردیم، ولی متأسفانه به دلایلی ادامه پیدا نکرد. اما به نظرم می‌آید که بعد از این اقدام خوبی که شما انجام می‌دهید یا چه بسا هم زمان با آن، می‌توان رایزنی‌ها را دوباره شروع کرد؛ زیرا این مبحث باید به یک سبک قابل تدریس و مورد پسند در محیط‌های آکادمیک هم تبدیل شود. فراتر از اینها، در پهنه‌ی علمی کشور - مخصوصاً حوزویان و دانشگاهیان و شخصیت‌های عالی‌رتبه عرصه‌ی تعلیم و تربیت نظر خواهی کنیم و با آنها مصاحبه‌های انکشافی انجام دهیم و حامیان قابل ملاحظه‌ای را از جهت کیفی به دست بیاوریم. الآن به نظرم تا حدودی زمینه‌ی این کار آماده است. هم‌زمان هم می‌توانیم از مراکز مسؤول در این زمینه کمک بخواهیم؛ مثل مجموعه‌ای که در آموزش و پرورش، کارهای مهندسی تعلیم و تربیت را انجام می‌دهند و یا مجموعه‌ی دیگری که بحث‌های تحولات آموزش و پرورش را دنبال می‌کنند. البته در گفت‌وگو با اینها صرفاً نباید بحث نظری کرد و باید به همراه بسته‌های نظری، یک بسته‌ی پیشنهادی عملی هم ضمیمه کرد. برای اینکه وقتی مثلاً رئیس آموزش و پرورش فلان استان و دیگر دست‌اندرکاران سؤال کردند که حالا طبق این مدل چه باید کنیم؟ بلافاصله یک پیشنهاد عینی و عملیاتی به آنها داده شود. مثال عملی برای این بحث اردوهای جهادی است که من در دوره‌ای که در سازمان ملی جوانان مسؤولیت داشتم، اهتمام ویژه‌ای روی آن داشتم تا از کلیشه‌های اداری بیرون بیاید و به یک موج مردمی و به ویژه در بین جوانها تبدیل شود که خوشبختانه شده است. این طرح، جزء شیوه‌هایی است که با سرعت حیرت انگیز و حتی محیرالعقولی در این بحث جواب می‌دهد. میدانی است برای خدمت، شبیه چیزی که ما در اوایل انقلاب تحت نام جهاد سازندگی داشتیم.

اما چرا در آموزش و پرورش فعلی این الگو به شکل مطلوب آن اتفاق نمی‌افتد؟ زیرا پیش‌نیازهای بحث تحقق پیدا نکرده که عبارت است از مربیانی که به این روش معتقد باشند؛ مشکل اینجاست. من معتقدم اگر آموزش و پرورش بخواهد متحول شود - چه در حوزه‌ی تعلیم و چه در حوزه‌ی تربیت - باید سرمایه‌گذاری ویژه‌ای را هم به شکل بلندمدت، هم میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت، در مورد پرورش مربی و معلم داشته باشد؛ و آلا هر طرح دیگری هم که باشد عقیم می‌شود.

پس ما اگر بخواهیم این ایده - به لطف خدا - گسترش پیدا کند و به تدریج به گفتمان حاکم در حوزه‌ی تربیت کشور تبدیل شود، علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های درون تشکیلاتی، باید بتوانیم آن را به حوزه‌های فکری و علمی هم به شکل مناسبی عرضه کنیم تا مورد نقد و بررسی قرار بگیرد؛ هم‌زمان هم الگوهای مناسب و قابل اجرا و عملی را به مجموعه‌های تعلیم و تربیت خودمان ارائه کنیم.

نکته‌ای را در اینجا اشاره می‌کنم که «بسیج»، اساساً یکی از مدل‌های مبتنی بر تربیت حماسی است؛ منتها «سازمان بسیج» چیزی است و «فرهنگ بسیجی» چیز دیگری. اتفاقاً در جاهایی، متأسفانه سازمان بسیج عایق فرهنگ بسیجی می‌شود؛ چون بالاخره سازمان است و ساز و کار خاص خودش را دارد. اگرچه دوستان ما در سازمان بسیج، در حال تحول در

رویکردها و سبک‌هایشان هستند ولی به هر حال، ساختارها ممکن است مشمول مرور زمان شده و دچار کهنگی شوند؛ به گونه‌ای که عایق آنچه در ابتدا بوده‌اند تبدیل شوند. باید مراقب این مسأله بود. یادم هست دوستان در به روزرسانی این مدل تربیتی، گاهی دچار اشتباهاتی می‌شدند. نتیجه هم این بود که چون مثلاً خانواده و محیط آموزشی اقبال لازم را نشان نمی‌دهد، مشوق‌هایی (مانند معافیت از سربازی و سهمیه و مانند آن) ایجاد کنیم که همان مشوق‌ها، عملاً گاهی این مدل تربیتی ناب را به مذب برد. اینها اشکالاتی است که در ارائه‌ی الگوها و به‌روزرسانی آنها ممکن است پیش بیاید ولذا این را هم می‌توان به آسیب‌های مذکور ضمیمه کرد.

خیمه معرفت :

به نظر می‌رسد که بزرگترین چالش تربیت حماسی در عرصه‌ی اجرایی، همین باشد که نهادهای ما نتوانند این سبک را در کنار روال‌های اداری و سازمانی خود بپذیرند و هضم کنند و لذا تربیت حماسی مجبور باشد که به دنبال الگوهای غیر نهادی باشد. نظر شما چیست؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

اینکه می‌فرمایید تا حدودی درست است؛ منتها ما خوشبختانه الآن توانسته‌ایم به نهادهایی برسیم که به پیشرفت آرمانها و ایده‌های ما بسیار کمک کرده است. البته یک نکته‌ی مهم هست که وقتی نهادی به وجود می‌آید، ساز و کار و ساختارها و تنظیماتش باید طبق مبانی و الگوهای اصلی آن شکل بگیرد و طراحی بشود؛ در مسیر حرکت هم باید دائماً از انحراف مراقبت شود، ضمن آنکه باید بتواند خود را به‌روز و نوسازی کند.

نمونه‌ی بارز آنچه گفتم، در عرصه‌ی حرکت‌های علمی، جهاد دانشگاهی و رویان و امثال آن است که کاملاً مبتنی بر آرمان‌ها و انگیزه‌های جهادی است. در واقع مشکل این است که ما یک ایده‌ی ناب انقلابی دینی را به یک ساختار کهنه، فرسوده و محافظه‌کار داده‌ایم. بعد هم به جای اینکه آن مجموعه احیاء شود، ایده‌ی ما را دچار رکود می‌گردد.

به هر حال، بنده با شما موافقم که ما چاره‌ای جز نهادسازی بر طبق مبنای خود نداریم. چرا که می‌بینیم هر جا مبتنی بر خواسته‌های انقلابی خود موفق شدیم یک ساختار هماهنگ ارائه کنیم، آن ساختار توانسته در زمان خوبی نتایج لازم را به ما بدهد؛ مثل عرصه‌های علمی، دفاعی، نظامی و سازندگی که نمونه‌های فراوان دارد.

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان

خیمه معرفت :

البته هنوز پرسش‌های بسیاری مانده که گویا در این مجال طرح آنها میسر نیست؛ لذا ممنون خواهیم شد که صحبت‌های پایانی شما بیشتر با نگاه به مخاطب اصلی این گفت‌وگو که مربیان و رابطان خیمه‌های معرفت هستند، ارائه شود.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

مبتنی بر رویکرد تربیت حماسی، معتقدم که می‌توانیم از تمام ظرفیت‌های این تشکیلات استفاده کنیم. به عنوان یک کار الگویی و جایی که واقعاً زمینه مهیاست، می‌توان به پایگاه‌های مهم خیمه‌های معرفت اشاره کرد. البته منحصر به آنجا هم نیست. ما هم در مدل‌های سازماندهی، هم در خیمه‌های معرفت، هم در هیأت‌های انصار المهدی (عج)، هم در بخش‌های علمی، هنری و ادبی، واقعاً از همه‌ی دوستان توقع داریم که از تمام این ظرفیت‌ها، مبتنی بر این رویکرد استفاده کنند. نباید فرصت را از دست بدهیم. الآن حتی به دوستان سپرده‌ام که مؤسسه علمی آینده‌سازان ما هم باید بر اساس این الگو باز آفرینی و سازماندهی مجدد شود؛ یعنی با این الگو که تفکر خلاق و نقاد و علمی را در بین اعضایش دامن بزند و شجاعت علمی را در بچه‌ها به وجود بیاورد.

خیمه‌های معرفت ما که اصلاً با همین نگاه طراحی شده که مخاطب محور باشد؛ یعنی با حضور خود دانش‌آموزان در جست و جوی معرفت. لذا در آنجا باید به این عطش دامن زد و عطش معرفتی بچه‌ها را دوچندان کرد. بعد هم با ارائه‌ی راهکارهای صحیح به آنها، شجاعت لازم را جهت تلاش برای یافتن پاسخ به سؤالات بنیادین در آنها ایجاد کرد. من همیشه به دوستان گفته‌ام، خیلی جاها، شما به جای اینکه خیمه معرفت برپا کنید - با آن مدلی که ارائه شده بود - به اشتباه کلاس برگزار می‌کنید؛ غافل از اینکه ما می‌خواستیم این طرح از کلیشه‌ی کلاس خارج شود؛ ما می‌خواستیم بگوییم که خیمه معرفت یعنی جایی که این هنر را دارد که به عطش معرفت که در فطرت همه‌ی انسانهاست دامن می‌زند و خود مخاطب را برای رسیدن به پاسخ به میدان می‌آورد. بنابر این، مربی ما باید این هنر را باید داشته باشد که بتواند سؤالات را خوب طراحی کند؛ یعنی کمک کند که سؤالات اصلی مخاطب بروز کند.

خیمه معرفت :

این مصاحبه برای من یکی از پربارترین و غنی‌ترین گفت‌وگوهایی بود که تاکنون تجربه کرده بودم. لازم می‌دانم که هم از طرف خود و هم از جانب سایر دست‌اندر کاران نشریه به خاطر فرصتی که در اختیار ما گذاشتید از شما تشکر کنم.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری :

من هم تشکر می‌کنم از جناب‌عالی و دوستانی که دست‌اندرکار این کار بسیار مهم هستند و صمیمانه برای شما و ایشان آرزوی توفیق دارم.

به عنوان آخرین مطلب عرض می‌کنم که بنده معتقدم که مدرسه ممتاز تربیت حماسی، مدرسه‌ی عاشورا است. خوشبختانه الگوهای ناب هم در این مجموعه، در همه‌ی سطوح موجود است. با یک نگاه دقیق، در می‌یابیم که واقعاً عاشورا نجات بخش عصر ماست و امام حسین علیه السلام همیشه کشتی نجات بوده و هست. همین‌طور دفاع مقدس که می‌توان گفت فرصتی بود برای اینکه آموزه‌های مدرسه‌ی عاشورا، متناسب با زمان و شرایط کنونی مجدداً عملی شود و به ظهور برسد. الآن همین مجموعه‌ی عظیم شهدا، جانبازان و حماسه آفرینان ما بسیار قابل الگوگیری هستند. من به دوستانی که طرح همکلاسی آسمانی را در اتحادیه پیشنهاد دادند، عرض کردم که هر کدام از این دانش‌آموزان شهید، یک مدرس و استاد عالی‌رتبه در مدرسه‌ی تربیت حماسی هستند؛ با این نگاه باید بچه‌ها را به این محضر برد؛ خصوصاً با توجه به اینکه دست شهدا به نصّ آیات قرآنی و روایات اهل بیت و حتی به تجربه، بسیار باز است. اینها کسانی بودند که توانستند این ایده را در اوج آن و متناسب با زمان خود، اجرایی و پیاده کنند. ضمناً به دوستان می‌گویم که از جانبازان و سایر ایثارگران غافل نشوید؛ آنهایی که سر حرف‌شان ماندند. جانبازی که در تمام این سالها و با این همه فراز و نشیب بر سر ایمانش مانده، اگر نگوییم بالاتر است، به هیچ وجه کمتر از شهید نیست؛ او شهید زنده است؛ کسی که به رغم دردهای بیست ساله، هنوز بر سر حرف و اعتقادش ایستاده است. اینها الگوهای قابل بهره‌برداری و بسیار روشنی هستند.

غرض اینکه ما باید هم از ظرفیت معارف عاشورا و الگوهای عاشورایی و هم از معارف دفاع مقدس و الگوهای بیشترین استفاده را ببریم. این عرصه بسیار پرجاذبه است و ما نمونه‌های امروزی زیادی هم در این بخش داریم. مثلاً شخصیت‌هایی مثل امام موسی صدر و چمران را داریم که توانستند به شکل یک زوج موفق، مبتنی بر این رویکرد عمل کنند و بنیان‌های یک حرکت بزرگ را در لبنان بگذارند که آثارش را امروز می‌توانیم ببینیم. شخصیتی مثل شهید چمران اگر وارد عرصه علمی می‌شود هم با همین رویکرد است؛ در عرصه‌ی سازندگی، جهاد و شهادت و خلاصه همه جا همین‌گونه است. من در سفری که به لبنان داشتم، در شهر صور یا صیدا به هنرستانی دعوت شدیم نامش هنرستان شهید چمران بود (البته آنها «شمران» نوشته بودند). بعد فهمیدیم که آنجا را خود دکتر چمران، با همان الگو ساخته است؛ و چقدر دقیق! ایشان در حیات هنرستان، با همان ذهن خلاق خودش آیه‌ی کریمه قرآن را که حق و باطل را به آب و کف مثال می‌زند نوشته و ساخته بود؛ به طوری که بچه‌ها هر وقت وارد مدرسه می‌شوند، آب زلالی را که از بالای این آبشار کوچک دست‌ساز می‌ریزد، می‌پینند که در پایین، کف زیادی تولید می‌کند و دوباره، این آب زلال است که جریان پیدا می‌کند.

غرضم دقت در الگوهایی مثل شهید چمران بود؛ یا در فضاهایی، شهید آوینی و امثال اینها که خیلی مفید است. از سوی دیگر، در عرصه‌ی فضائل و علم و دانش، شخصیتی مثل مرحوم کاظمی هست؛ یک دانشمند عالی‌رتبه که با همان نگاه توانسته است مؤسسه افتخار آمیز رویان را پیش ببرد. این‌گونه افراد کم نیستند. من در این سالها که به گوشه و کنار کشور می‌روم، هر جا که کارهای فاخری دیدم، پشت سرش یکی از یادگاران همان روزگارا بوده است. به هر حال، از این ظرفیت که به تعبیر رهبری عزیز و حکیم‌مان یک «گنجینه‌ی تمام نشدنی و میراث جاودانی» است، باید بیشترین استفاده را ببریم. خصوصاً در مورد کسانی که کم‌کم در حال عروج از این دنیا هستند.

ان شاء الله موفق، سربلند و عزیز باشد.

[۱]. نساء، آیه ۹۵

[۲]. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۰۴

[۳]. الحدیث-روایات تربیتی، ج ۱، ص ۱۳۹

[۴]. الکافی، ج ۸، ص ۸۰

[۵]. الحدیث-روایات تربیتی، ج ۲، ص ۵۱

[درباره تربیت حماسی بیشتر بخوانید](#)



وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان